

## بیکارسازی ها ، تشدید فشار برگرده طبقه کارگر است ، باید با آن به مقابله بروخاست !

بیکار میشوند. در مازندران که تا فروردین ماه سال جاری ۲۱ واحد تولیدی تعطیل شده بود، در اواخر مرداد این واحدها به ۷۰ رسید و از آن تاریخ تا اوآخر مهرماه فعالیت چندین واحد دیگر نیز متوقف شده است. بیش از نیمی از کارگران کارخانه های نساجی مازندران از کار بیکار شده اند. در استان فارس بیش از ۲۱۶ واحد تولیدی و صنعتی بحال رکود در آمده است، دهها مرکز صنعتی تعطیل شده است. هزاران کارگر کارخود را از دست داده و هزارها کارگر دیگر در معرض بیکاری اند. در اصفهان صدها طرح صنعتی نیمه تمام رها شده است و دهها مرکز تولیدی بکلی تعطیل و کارگران آن از کار بیکار شده اند.

صفحه ۳

رونده بیکارسازی کارگران همچنان در ابعاد وسیعی ادامه دارد. مسئولین و روزنامه های رژیم، هر روزه خبر از توقف کارخانه ها و تعطیلی مراکز صنعتی و تولیدی بی میهدند. این خبرها حاکی از آن است که در همین زمانی هم این خبرها حاکی از آن است که هیئت حاکمه، در پی هر انتخابات قلای و فرمایشی، درصد شرکت مردم را در انتخابات ۹۰ درصد اعلام کند یا مکثتو بیشتر. ایضاً تفاوتی نمیکند که مردم با تهدید و فشار به پای صندوقهای رای برد و شوند یا بدون حضور آنها، آرای میلیونی از صندوقهای رای بیرون کشیده شود.

تصدیق کامل یک چنین انتخاباتی را میتوان در ایران، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی دید. در اینجا رژیمی حاکم است که آزادیهای سیاسی را از مردم سلب کرده و با اختناق و سرکوب موجودیت خود را حفظ کرده است. مردم هیچ نقشی در داداره امور کشور ندارند و هر مخالفت و اعتراض آنها با سرکوب خشن پاسخ داده میشود. با این وجود هر چند وقت یکبار باصلاح انتخاباتی را هم برگزار میکند که این "انتخابات" هم معمولاً "با حضور پر شور امت" پایان میگیرد.

انتخابات اخیر مجلس خبرگان حکومت اسلامی هم که در اول آبان ماه برگزار شد، از قماش همان انتخاباتی بود که جمهوری اسلامی در طول تمام دوران حیات خود در ایران برگزار کرده است. این "انتخابات" هم همانند نمودهای پیشین آن، ربطی به مردم ایران نداشت. نه صرفاً از این زاویه که مجلس خبرگان یک نهاد فوق ارتجاعی حکومت اسلامی است که پاسدار استبداد مطلق ولی فقیه و تفییق آشکار دین و دولت است که با هرگونه دمکراسی و آزادی مردم دشمنی آشی ناپذیر دارد بلکه از این زاویه

صفحه ۲

### در این شماره

اعتراض عمومی کارگران دانمارک

اخبار کارگری جهان

اخبار از ایران

اطلاعیه ها

ستون مباحثات

گزیده ای از نامه های رسیده

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۴)

صفحه ۱۲

صفحه ۱۱

صفحه ۹

صفحات ۲، ۱۴، ۱۵

صفحه ۷

صفحه ۱۳

صفحه ۵

### «بحranهای عظیم ، راه حل های اساسی می طلبند»

(سخنرانی فیدل کاسترو در آفریقای جنوبی)

صفحه ۱۱

کمکهای مالی رسیده  
صفحه ۱۲



## اعتراض ۲۵۰۰ تن از کارگران جهان چیت

۲۵۰۰ تن از کارگران کارخانه نساجی جهان چیت کرج که با خطر اخراج روپرتوهستند، با اعتراض خود نسبت به هرگونه اقدام برای اخراج کارگران هشدار دادند.

چند روز است که بنیاد جانبازان به بهانه های واهمی، خط تولید را در این کارخانه متوقف نموده و قصد دارد با ادعای زیان دهنده کارخانه، گروه کثیری از کارگران را اخراج کند.

کارگران معتبر جهان چیت، ادعای بنیاد را واهمی می دانند. آنها می گویند: بنیاد جانبازان در چندین سال گذشته میلیاردها تومان از قبل دسترنج کارگران این کارخانه به جیب زده است و امروز به هیچ بهانه ای نمی تواند کارگران را اخراج کند.

کارگران حقیقت را می گویند. بنیاد جانبازان در طول تمام مدتی که مالکیت این کارخانه را در اختیار خود گرفته است، هر سال چند میلیارد سود به علت بحران اقتصادی، این سودها اندکی کاهش یافته، بنیاد جانبازان می خواهد با اخراج کارگران و محروم کردن آنها از همین دستمزدناپیز، آن را جبران نماید. لذا اقدام بنیاد جانبازان در متوقف کردن خط تولید به بهانه زیان دهنده یک ترفند سرمایه داران برای اخراج کارگران است.

کارگران مبارز جهان چیت کرج که سابقه ای طولانی در مبارزه علیه سرمایه داران دارند و سالهای پیش نیز رژیم شاه اعتراض یکپارچه آنها را به خاک و خون کشید، قطعاً امروز نیز در برابر زورگویی کارفرمایان خواهند ایستاد و با اعتراض و مقاومت یکپارچه خود توطئه اخراج کارگران را درهم خواهند شکست.

**سازمان فدائیان (اکتبر)**

۷۷/۷/۲۱

جناحهای رقیب پیردادزد. موقعیت این جناح از آن جهت نیز مستحکم تر شد که میان کارگزاران و مجمع روحانیون شکاف انداخت و کارگزاران را به تعییت از خود واداشت. جناح کارگزاران عملاً در جریان این انتخابات وارد یک ائتلاف انتخاباتی با جناح مسلط شد و سران آن جناح را اورادیست انتخاباتی خود کرد. بازende اصلی، جناح مجمع روحانیون و گروههای موتلف آن بودند که عملاً به حاشیه رانده شدند. برغم این تغییرات در موقعیت جناحهای رقیب و توانزن قوای میان آنها، رژیم جمهوری اسلامی قادر نیست، خود را از شرتصاره‌ها و کشمکشهاي جناحهای رقیب نجات دهد. تلاش جناح مسلط برای قبضه همه ارکانها و اهرم های قدرت، این تضادها را بازهم تشید خواهد کرد. برغم موقعیت مستحکم تری که جناح مسلط کسب کرده است، اوضاع خیم اقتصادی، ناراضایتی وسیع توده ای و بحرانهای متعددی که رژیم با آنها روبروست به ناگزیر شکافهای درونی جناح های رقیب را عemicتر خواهد کرد و تضاد و کشمکشهای آنها را تشید خواهد نمود.

خبرگان او را هم از توهمندی بیرون آوردند، اما اهمیت عدم شرکت گسترده مردم ایران در باصطلاح انتخابات، آنجائی خودرا نشان میدهد که امر خدا را نیز زیر پا نهادند و به فتوای مراجع مذهبی در مورد این که شرکت در انتخابات یک واجب عینی است، وقعي نگذاشتند. این بدان معناست که لاقل اکثریتی از مردم ایران دیگر به ارجیف و خرافاتی که دستگاه روحانیت می پراکند، توجهی ندارند. آگاهی مردم و نفرت شان از حکومت مذهبی به درجه ای رسیده که دیگر از دست خدا هم کاری ساخته نیست. این را جریان عدم شرکت گسترده مردم ببرغم فتاوی مراجع مذهبی نتایج دیگری اما جریان انتخابات مجلس خبرگان نتایج دیگری هم در برداشت که به جناحهای رقیب هیئت حاکمه مربوط میگردد. جناح مسلط که بیش از دو سوم کرسی های خبرگان را به خود اختصاص داد، موقعیت خود را در میان جناحهای رقیب مستحکم تر کرد. این بدان معناست که میتواند همچنان مراکز اصلی دستگاه دولتی را در اختیار خود داشته باشد و علاوه بر این با قدرت بیشتری به مقابله

## ۸۰ سال از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر گذشت

### انقلاب اکتبر،

**جنگ آشکار علیه تمامیت سرمایه و ارتقای جهانی بود**

**پیام اکتبر،**

**رهائی میلیونها کارگر از یوغ استثمار و بردگی است**

**انقلاب اکتبر**

**در قلب میلیونها کارگر در سراسر جهان زنده است**

**زنده باد اکتبر**

### از خدا هم دیگر

#### کاری ساخته فیست

که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، حتی از دیدگاه دمکراتی پارلمانی پورژوائی، انتخاباتی وجود ندارد. آنچه که هستانتصابات است که آنرا به عنوان انتخابات معرفی میکنند. هیئت حاکمه چند نفری را از میان وابستگان به دستگاه، به مردم عنوان رئیس جمهور یا نماینده مجلس از میان آنها انتخاب کنید. به این اعتبار میتوان گفت که آنها انتخاب شده هیئت حاکمه‌اندو نمودند. اما انتخابات مجلس خبرگان ازین جهت حائز اهمیت بود که یکبار دیگر بی اعتباری سیاسی رژیم جمهوری اسلامی را در میان مردم ایران، آشکارا به نمایش گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی بخاطر یکرشته‌اهداف سیاسی داخلی و بین المللی، تلاش فراوانی مبدول داشت تا به هر شکل ممکن مردم را به پای صندوقهای رای بکشاند.

بدین منظور از مدت‌ها قبل از انتخابات، تمام نیروی خود را بسیج کرد و تبلیغات گسترده‌ای را در میان مردم آغاز نمود. سران و دست اندکاران رژیم هر یک به فراخور حال و موقعیت خود برای این باصطلاح انتخابات بازار گرمی کردند و مردم را به شرکت در انتخابات دعوت نمودند. پس از خامنه‌ای و رفسنجانی، خاتمی برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای سنگ تمام گذاشت. او در یک نقطه رادیو - تلویزیونی ضمن دفاع از اختیارات نامحدود ولی‌فقيه، نفعاً از شورای نگهبان و مجلس خبرگان، از مردم خواست که در انتخابات شرکت کنند. دستگاه روحانیت نیز به شکلی همه جانبه به این تلاشهای تبلیغاتی حکومت مدرساند. مراجع مذهبی یکی پس از دیگری مردم را به شرکت در انتخابات دعوت نمودند و برای این که تمام زور خود را باشند، گفتند که شرکت در انتخابات یک واجب شرعی و عینی است.

معهداً با همه این تلاشهای رژیم، مردم ایران به نحو چشم گیری در انتخابات شرکت نکردند. روز انتخابات در همه جا حوزه های رای گیری خالی ام از جریان انتخابات مجلس خبرگان نتایج دیگری هم بود و خبرگزاری های جهان، این تحریم مردم را مخابره کردند. با این اوضاع، دیگر رژیم نمیتوانست از شرکت ۷۰، ۸۰ درصدی مردم در انتخابات و شاید هم بیشتر سخن بگوید. لذا به این قناعت کردند که بگویند ۱۷ میلیون و ۸۲۷ هزار نفر در انتخابات شرکت نمودند. برغم تمام تقلب ها و تهدید و فشاری که به مردم وارد آورده، اعلام رقم ۱۷/۸ میلیون به عنوان شرکت کنندگان در انتخابات بدان معنا بود که ۲۱/۵ میلیون نفر از مردم یعنی ۵۵ درصد انتخابات رژیم را تحریم کردند. سازمان ثبات احوال رژیم قبل از انتخابات واجدین شرایط رای را ۳۹/۴ میلیون اعلام نمود. در استان تهران باز هم مطابق آنچه و زارت کشور اعلام نمود، ۶۱ درصد از مردم در انتخابات شرکت نکردند و متجاوز از ۱۶۰۰۰ رای باطله اعلام شد که اغلب رای سفید بودند.

این باصطلاح انتخابات یک شکست سیاسی جدی برای رژیم جمهوری اسلامی، جناحهای مختلف آن و دستگاه روحانیت بود. در جریان این انتخابات یکبار دیگر نشان داده شدکه تودهای مردم ایران نه علیه این یا آن جناح بلکه علیه کل رژیم و همه جناحهای آن هستند. اگر آقای خاتمی هم تاکنون دچار توهمندی بود و فکر میکرد، تودهای مردم ایران، او را تاقه ای جدا باخته از کل ارتقای حاکم بر ایران، میدانند، مردم ایران در جریان انتخابات

گرچه کارگران در برایر این تهاجم گستردۀ سرمایه داران و اکنون نشان داده‌واز همان آغاز پروسه بیکار سازی‌ها علیه آن به مبارزه برخاسته‌اند، گرچه بخش وسیعی از کارگران مطالباتی چون افزایش دستمزدها، انعقاد قراردادهای دسته جمعی، طرح طبقه بندی مشاغل و نظیر آنرا نیز بیان کشیده‌اند، اما خواست یا خواسته‌هایی که در اکثر اعتراضات کارگری مطرح شده‌واز سایر خواسته‌های کارگری نیز پربرنگ تر بوده است، پرداخت بموقع دستمزدها، پرداخت حقوق های معوقه و حفظ اشتغال و نظیر آن بوده که در کل خصلت دفاعی داشته است. سرمایه داران برای عقب راندن کارگران، از این شرایط، به حداقل ممکن بتفع خویش سو استفاده نموده و فشار و استثمار کارگران را بیش از پیش تشید کرده‌اند. تا آنجا که در برخی از واحدهای تولیدی در کمال بی شرمی کارگران را بطور دسته جمعی اخراج کرده‌اند، آنقدر آنان را تحت فشار و در تنگنا قرار داده‌اند، تا تحت عنوان قراردادهای موقت کار، یعنی تحت شرایط کاری بدتر و بدون استفاده از حقوق و مزایای قبلي، اجبارا به کار برای سرمایه داران در همان واحد تولیدی تن بدهند در پاره‌ای مراکز تولیدي دیگر نیز که چندین ماه است حقوق کارگران را پرداخت نکرده‌اند، صریحاً به کارگران گفته شده‌است چنانچه حقوقی عقب مانده خویش را مطالبه کنند، آنان را خراج خواهند کرد.

## جز اتحاد و جز تشدید مبارزه راه دیگری نیست !

تعرض همه جانبی سرمایه داران، نتیجه‌اش اخراج و بیکاری کارگران، نتیجه اش فقیری، بدینه، فلاکت و گرسنگی بیشتر و در یک کلام معنایش مرگ تدریجی کارگران و اعضا خانواده‌آنهاست. حال آنکه در حاکم شدن رکود بر تولیدی در برخان عیق اقتصادی ذره‌ای خطأ متوجه کارگران نیست. کارگران خود اولین قربانیان نظام سرمایه داری اند. کارگران سالیان متقدمی استثمار شده‌اند، خالق ثروت‌های اجتماعی بوده‌اند، کارکرده‌اند و میخواهند زندگی و کار کنند. کارگران، کار و دستمزد مناسب میخواهند، بنابراین با ابتکار عمل مبارزاتی و اتحاد خود، یک جائی باید در برایران تعرض بایستند و براین روند فاجعه‌امین، مهر پایان بکویند.

اگر سرمایه دارای بایجاد نفاق و جدائی میان کارگران، استثمار و فشار را تشید می‌کند، پس در قدم‌اول کارگران هم بایستی با اتحاد و یکپارچگی خود با سرمایه‌رو در رزو شوند. باید در نظر داشت که لطمات ناشی از بیکارسازیها و از تعرض سرمایه به زندگی کارگران، فقط شمشول حال کارگرانی که از کاریکار شده‌یا میشوند نمی‌شود. هرچند در نظر اول، این کارگران بیکار شده هستند که با از دست دادن کار خود، منبع ارتزاق خویش را نیز از دست داده و به فقر و گرسنگی محکوم میشوند، اما تاثیرات این بیکار سازی‌ها در همین محدوده باقی نمی‌ماند و عوارض آن به سایر بخش‌های کارگری و به همه کارگران سوابیت می‌کند. تعرض به هر بخش از طبقه کارگر، تعرض به همه کارگران است. کارگران شاغل نیز خود بهتر از هر کسی شاهدین موضع بوده‌اند که سرمایه داران چگونه از وجود میلیونها بیکار که در بدر دنیال کار میگردند و پشت در کارخانه‌ها منتظر پیدا کردن کاری هستند تا بتوانند با آن نان بخور و نمیری تهیه کنند سو استفاده میکنند، جلو اعتراض آنها را میگیرند

## بیکارسازی‌ها، تشدید فشار برگرده طبقه کارگر است، باید با آن به مقابله برخاست !

تولیدی و باصطلاح عمرانی رامتوقف ساخته است و هم اکنون از چرخاندن صنایع و مراکز تولیدی تحت پوشش خود نیز بازمانده و قادر به بازسازی و توسعه نیست، اگر نمیتواند بیش از این اعتبارواره سرمایه داران اعطا کند، در عوض با اهداف و اگذاری هزاران مرکز تولیدی و صنعتی به حضرات سرمایه داران بخش خصوصی، به خواست آنها لیک گفته است. بیکارسازی کارگران، گرچه پدیده‌ای عمومی است و در کل واحدهای صنعتی و مراکز تولیدی جاری است، اما این مسئله در مراکز صنعتی وابسته به بخش خصوصی خصوصاً واحدهای اگذارشده دولتی به این بخش، بسیار شدید تر است. دولت برای رفع مسئولیت از گردن خود برای آنکه در مقابل بیکاری و آینده کارگران پاسخگو نباشد، این مراکز را در اختیار سرمایه داران بخش خصوصی قرار می‌دهد، تا آنها هم با دست بازتر و با خشونت و بیرحمی بیشتر به اخراج، سرکوب و بیکارسازی کارگران بپردازند و به دلخواه خویش بر شدت فشار و استثمار کارگران بیفزایند. بنا براین روش است که اقدامات دولت سرمایه دارهم برموج اخراج و بیکارسازیها می‌افزاید و صدھا هزار کارگر دیگر را نیز در معرض بیکاری و خانه خرابی قرار می‌دهد.

این بیکارسازیها و سیع و گستردۀ کارگران را در معرض فشارها و دشواری‌های طاقت فرسائی قرار داده است. صدھا هزار کارگری که با دستمزد های ناچیزشان میتوانستند لقمه نانی برای خود واخضا خانواده شان تهیه کنند، هم اکنون به صف میلیونی بیکاران پیوسته‌واز دریافت همین دستمزدهای ناچیز هم محروم شده‌اند و میلیونها عضو خانواده های کارگری، به فقر، فلاکت، بدینه و گرسنگی بیشتری سوق داده شده‌اند. اینوه بیشمار دیگری از کارگران هنوز مشغول بکارنیز دستمزدهای خود را با چندماه تأخیر دریافت می‌کنند. درینجا نیز میلیونها عضو خانواده های کارگری شب‌وروز نگران اخراج و یا از دست دادن شغل نان آو خانواده‌اند. هیچگونه امنیت شفی و وجود ندارد. برخی مراکز تولیدی ۱۱ ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده‌اند. پدیده تأخیر در پرداخت دستمزدها آنقدر رواج یافته است که دست مم رع ماه‌ها خیر پرداخت حقوقی معموق پرداخت بعوق دستمزدها به یکی از خواسته‌های عمومی بخش زیالی از کارگران تبدیل شده است.

سرمایه داران و کارگران می‌کنند، به بهانه کمبود نقدینگی، کمبوداران، ناشتن مواد اولیه، زیان دهی و بهانه های دیگری نظیر آن، یا کارخانه را تماماً می خواهند و یا همین مسئولیت را کاهش میدهند و یا هیچ گونه مسئولیت و یا ملاحظه‌ای، فوج فوج کارگران را که معلوم نیست چگونه باستی مخارج زندگی خود را تأمین نمایند، اخراج و از کار بیکار می‌کنند. آنان در عین حال از دولت حامی خود میخواهند، کمک ها و اعتبارات بیشتری در اختیار شان قرار دهد و چنین ادعای میکنند که می خواهند به نو سازی ماشین های فرسوده بپردازند و صنعت را از رکود نایسیمانی نجات دهند! اما دولت که خود سرمایه دار بزرگی است، خودش غرق در بحران است و با یکورشکستگی عمیق مالی روپرورست. دولت سرمایه دار، عجالات دولتی است که حتی از پرداخت حقوق کارمندان خودش هم ناتوان است و نقداً سرگرم انتشار اوراق قرضه، استقرار از بانک مرکزی، پیش فروش نفت، قرضه خارجی و اقدامات دیگری مشابه آن است تا چرخ فرسوده و زهوار در رفت رژیم، لنگ زنان بچرخد.

معهذا همین دولتی که دستش خالی است، همین دولتی که بدلیل ورشکستگی مالی اش شمارزیادی از طرحهای

## بحران مالی دولت و تشدید بحران اقتصادی

کارگران و زحمتکشان بیاندازد. در اصلاحیه بودجه معادل ۶۰۰۰ میلیارد استقراض از بانک مرکزی تنها برای چند ماه مانده به پایان سال در نظر گرفته شده است. این استقراض یعنی انتشار بدون پیشتوانه تولیدی و ارزی اسکناس، یعنی کاهش رسمی و غیر رسمی ارزش پول یعنی افزایش باز هم بیشتر بهای کالاها، کاهش قدرت خرید کارگران و زحمتکشان و تنزل سطح معیشت آنها. این استقراض از بانک مرکزی بازهم افزایش بیشتری خواهد یافت چرا که منابع تامین در آمد های دولت محدود تر و مخارج آن عظیم تر خواهد بود. اما در محدوده همین استقراض ۶ میلیارد ریالی کافونی نیز پیش بینی می شود که بین ۲۰ تا ۲۰۱۰ درصد به نزخ تورم موجود افزوده شود. نایب رئیس کمیسیون برنامه بودجه مجلس پیش بینی کرد که تنها ۱۰/۷٪ درصد به تورم موجود افزوده شود. یعنی نزخ تورم به حدود ۳۰ درصد برسد. در حالی که در همین مدت چند روزی که از تصویب اصلاحیه دولت میگذرد، روز بروز ارزش ریال کاهش یافته، برهای ارائه های خارجی افزوده شده و متناسب با آن قیمت کالاهای ارزی افزایش یافته است.

در حالی که از طریق استقراض از خارج و استقراض از بانک مرکزی کوشیده است هزینه و روشکستگی مالی خود را بردوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد، مالیات ها را نیز افزایش داده است. این مالیات هارا خواه به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم توده های زحمتکش مردم باید بپردازند. مالیاتی که سرمایه داران میگردند، آن قدر ناچیز است که بایگفت، آنها چیزی نمیگردند. بورژوازی تجاری که نمایندگان قدرتمندی در دستگاه دولتی دارد، حتی مبلغ ناچیزی را هم که سالانه باید بپردازد، نمی پردازد. در اعتراض به پرداخت مالیات اعتضاب هم میکنند. طبوعات رسمی رژیم می نویسند که آنها از پرداخت صد ها میلیارد ریال سرباز میزنند. بورژوازی صنعتی هم بیچاره! قادر به پرداخت مالیات نیست و اخیرا در روز نامه های رژیم نوشتند شده که اگر قرار است، بهبودی در اوضاع اقتصادی صورت بگیرد باید مالیات صاحبان موسسات تولیدی و صنعتی بخشووده شود. پس، باقی می ماند کارگران و بخششای از حقوق بگیران و خرده بورژوازی فقیر و زحمتکش که باید در آمد های مالیاتی دولت را تامین کنند. راه سهل الوصول آن نیز برای دولت، از طریق مالیات غیر مستقیم و افزایش بهای کالاهای خدماتی است که در انحصار دولت اند.

در اصلاحیه دولت راه دیگری نیز برای جبران کسری بودجه در نظر گرفته شده است و آن صرفه جوئی در هزینه های دولتی به میزان ۲۰۰۰ میلیارد ریال است. اما در اینجا هم این صرفه جوئی در هزینه های بوروکراسی، نیروهای سرکوب انتظامی و نظامی و امنیتی وغیره و ذلک نیست، بلکه صرفه جوئی در هزینه های عمرانی و تولیدی و آن بخششای است که به منافع توده های مردم مربوط میگردد. در لایحه اصلاحیه دولت رقم اعتبارات عمرانی از ۲۰ هزار و ۶۱۷ میلیارد ریال به ۲۴ هزار و ۵۹۸ میلیارد ریال کاهش یافته است. نتیجه دست به نقد این صرفه جوئی نیز بیکار شدن هزاران کارگر است.

بنابراین بدیهی است که دولت از طریق اصلاحیه بودجه کوشیده است، بارور شکستگی مالی خود را بردوش کارگران و زحمتکشان ایران بیاندازد. اما گذشته از این جنبه، بحران مالی رژیم که چشم

سه میلیارد دلار دریافت خواهد شد و مانده بدھی هایی استمهالی دولت به میزان ۴ میلیارد دلار تا پایان سال آینده باید پرداخت شود. از این گفتار چنین برمی آید که ۳ میلیارد دلار دیگر نیز بر مجموعه بدھی های دولت در نیمه دوم سال جاری افزوده خواهد شد و چنین بنظر میرسد که لاقل بخشی از استقراض ۳ میلیارد دلاری نیمه اول سال جاری در رقم ۱۲/۳ میلیارد دلار فوق الذکر منظور نشده است. چرا که این رقم تا پایان تیر ماه سال جاری است. لازم به توضیح است که دولت پیش از آن که اوضاع بدمارحلای از وخامت برسد که ورشکستگی اش را رسما اعلام کند و اصلاحیه بودجه را به مجلس بفرستد، معادل ۳/۱ میلیارد دلار از خارج قرض گرفته است. معاون ارزی بانک مرکزی در ادامه مصاحبه خود گفت:

"درآمد حاصل از صادرات نفت در نیمه نخست سال جاری حدود ۵ میلیارد دلار بود که نسبت به میزان پیش بینی شده در قانون بودجه ۷۷ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال براورد گردید که قرار شد از محل پیش فروش نفت و استقراض خارجی ۵ هزار پانصد میلیارد ریال، از محل استقراض از سیستم بانکی ۶ هزار میلیارد ریال، اوراق مشارکت ۲ هزار میلیارد ریال، از محل حج تمتع دو هزار میلیارد دلار از طرق دیگر (پیش فروش نفت و تسهیلات اعتباری) تامین شد. "با این حساب روشن است که رقم بدھی های دولت در پایان سال جاری برمبنای همین آماروارقامی که بانک مرکزی ارائه میدهد، قطعا از ۱۵ میلیارد دلار نیز تجاوز خواهد کرد. با این بدھی کلان، معرض بسیار جدی رژیم از نظر مالی و و خامت بیشتر اوضاع اقتصادی، تازه از سال آینده شروع خواهد شد. ۴ میلیارد دلار براحت صادرات نفت، پیش از ۱/۳ میلیارد دلار براحت از ذخایر ارزی و ۳/۱ میلیارد دلار از طرق دیگر (پیش فروش نفت و تسهیلات اعتباری) تامین شد. "با این حساب همانگونه که از این ارقام مشهود است، یکی از منابع تامین کسری بودجه، استقراض از خارج به میزان ۵ هزار و پانصد میلیارد ریال است. در اصل قضیه هم تفاوتی نمیکند که این استقراض به شکل وام باشد که انحصارات بین المللی و دولتها امپریالیست آن را به جمهوری اسلامی بدهند، یا این که انحصارات فقط در ازای وامی که میدهند، نفت دریافت کنند. در هر دو حالت یک استقراض است که همانند استقراضهای پیشین نتایج و خیمی برای توده های مردم ایران در پی خواهد داشت. اما ویژگی این استقراض در این است که برای سرمایه گذاری و انجام پروژه های تولیدی گرفته شده است، بلکه دولت میخواهد با این استقراض امور روزمره دستگاه دولتی را بگراند و حقوق مستخدمین دولتی را پرداخت کند. لذا این استقراض چنان رسوایی برای حکومت اسلامی است که یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع، لاریجانی، در یک سخنرانی این اقدام دولت را بازگشت به عصر قاجاریه در ایران دانست و گفت: "پیشنهاد آوردن به مجلس که یک میلیارد دلار از خارج قرض بگیریم که حقوق کارمندان دولت را بدهیم. یعنی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه هم همین طور حکومت را اداره میکرد. خاک بر سر این مجلس که این مصوبه را تصویب کرد. حالا باید عزای ملی اعلام کنیم."

اما از جنبه اقتصادی نیز این استقراض بدان معناست که حدودا ۱/۵ میلیارد دلار دیگر با محسابه بهره وام، بر حجم بدھی های دولت افزوده شود. رقمی که هم اکنون پیش از ۱۲ میلیارد دلار است و دولت که از پرداخت آن بازمانده است، دوباره در پی استمهال آنهاست. معاون ارزی بانک مرکزی که اخیرا در یک مصاحبه مطبوعاتی سخن میگفت، "مانده تعهدات خارجی ایران را در پایان تیرماه سال جاری ۱۲/۳ میلیارد دلار" نکر کرد که معادل یک سال درآمد نفتی کشور با محسابه بهای هر بشکه نفت به میزان ۱۲ دلار است. "نامبرده افزود که تسهیلات اعتباری خارجی به میزان

حداقل فاصله هزینه های دولت کدر کنند که در قانون بودجه مشخص شده با حداکثر درآمد های پیش بینی شده دولت، حدود ۱۸۹۳۶ میلیارد ریال است. در اصلاحیه دولت، چاره جبران این کسری عظیم بودجه، استقراض عنوان شده است. استقراض از خارج به شکل گرفتن وام و پیش فروش نفت، استقراض از بانک مرکزی و استقراض از مردم به شکل فروش اوراق قرضه و پیش فروش حج تمتع.

جنابهای رقیب هیئت حاکمه در مجلس ارتجاع که و خامت اوضاع را دریافت کند، در اینجا اختلافات را کنار گذاشتند و مجلس، سریعاً اصلاحیه دولت را تصویب کرد.

برمبنا مصوبه مجلس، کل کسری پیش بینی شده دولت در بودجه سال ۷۷ رقمی معادل ۱۷ هزار و ۹۰۰ میلیارد ریال براورد گردید که قرار شد از محل پیش فروش نفت و استقراض خارجی ۵ هزار پانصد میلیارد ریال، از محل استقراض از سیستم بانکی ۶ هزار میلیارد ریال، اوراق مشارکت ۲ هزار میلیارد ریال، از محل حج تمتع دو هزار و چهار صد میلیارد ریال و از محل صرفه جوئی در هزینه های دولتی ۲۰۰۰ میلیارد ریال، تامین شود.

همانگونه که از این ارقام مشهود است، یکی از منابع تامین کسری بودجه، استقراض از خارج به میزان ۵ هزار و پانصد میلیارد ریال است. در اصل قضیه هم تفاوتی نمیکند که این استقراض به شکل وام باشد که انحصارات بین المللی و دولتها امپریالیست آن را به جمهوری اسلامی بدهند، یا این که انحصارات فقط در ازای وامی که میدهند، نفت دریافت کنند. در هر دو حالت یک استقراض است که همانند استقراضهای پیشین نتایج و خیمی برای توده های مردم ایران در پی خواهد داشت. اما ویژگی این استقراض در این است که برای سرمایه گذاری و انجام پروژه های تولیدی گرفته شده است، بلکه دولت میخواهد با این استقراض امور روزمره دستگاه دولتی را بگراند و حقوق مستخدمین دولتی را پرداخت کند. لذا این استقراض چنان رسوایی برای حکومت اسلامی است که یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع، لاریجانی، در یک سخنرانی این اقدام دولت را بازگشت به عصر قاجاریه در ایران دانست و گفت:

"پیشنهاد آوردن به مجلس که یک میلیارد دلار از خارج قرض بگیریم که حقوق کارمندان دولت را بدهیم. یعنی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه هم همین طور حکومت را اداره میکرد. خاک بر سر این مجلس که این مصوبه را تصویب کرد. حالا باید عزای ملی اعلام کنیم."

اما از جنبه اقتصادی نیز این استقراض بدان معناست که حدودا ۱/۵ میلیارد دلار دیگر با محسابه بهره وام، بر حجم بدھی های دولت افزوده شود. رقمی که هم اکنون پیش از ۱۲ میلیارد دلار است و دولت که از پرداخت آن بازمانده است، دوباره در پی استمهال آنهاست. معاون ارزی بانک مرکزی که اخیرا در یک مصاحبه مطبوعاتی سخن میگفت، "مانده تعهدات خارجی ایران را در پایان تیرماه سال جاری ۱۲/۳ میلیارد دلار" نکر کرد که معادل یک سال درآمد نفتی کشور با محسابه بهای هر بشکه نفت به میزان ۱۲ دلار است. "نامبرده افزود که تسهیلات اعتباری خارجی به میزان

# تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۴)

## دوران انtronاسیونال دوم

پرولتاپیای روسيه در انقلاب ۱۹۰۵

و نه "پدر ملت". لذا همان کارگرانی که روز ۹ ژانویه در یک راهپیمائی مذهبی برای تقدیم عرضه و دادخواست خود به تزار شرکت کرده بودند، روز ۱۰ ژانویه، با شعار "مرگ بر تزار"، "مرگ یا آزادی" به خیابانهای پتروگراد ریختند، با نیروهای مسلح درگیر شدند و حتی به چند انبیار اسلحه پورش برداشتند. این شعارهای سرعت سراسر روسيه را فرا گرفت. کارگران در مناطق شهرهای دیگر نیز بپا خاستند. در پی اعتضاب عمومی کارگران پطرزبورگ در ۱۰ ژانویه، کارگران مسکو نیز دست به اعتضاب زدند. روز ۱۲ ژانویه، کارگران ریگا یک اعتضاب را همراه باتظاهرات بپا نمودند. این تظاهرات به درگیری و زد و خورد انجامید. نیروهای نظامی به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند. تعداد ۷۰ تن از کارگران کشته شدند. روز ۲۰۰۰ تن زخمی شدند. مجموعاً در ماه ژانویه ۴۰۰۰ کارگر در اعتضاب شرکت نمودند. (۵۲) دامنه این اعتضابات مداوماً گسترش یافت و تا ماه مه عده ترین مراکز و شهرهای صنعتی روسيه را فرا گرفت. مهمترین این اعتضابات در ایوانو-وزنسنیسک صورت گرفت. اعتضاب در ایوانو-وزنسنیسک در ۱۲ مه آغاز شد. ۷۰۰۰ کارگر به اعتضاب پیوستند. این اعتضاب ۷۲ روز بطول انجامید. در جریان همین اعتضاب بود که نخستین شورای نمایندگان کارگران شکل گرفت که ۱۱۰ نماینده از کارخانه‌های مختلف در آن حضور داشتند. در اینجا، کمیته اعتضابی که به منظور رهبری و هماهنگی اعتضابات پیدا آمد، از محدوده یک کمیته اعتضاب معمولی با وظیفه هماهنگی و رهبری اعتضابات، فراتر رفت. کمیسیون‌های ویژه‌ای تشکیل داد که وظیفه حزب نظم در شهر، کنترل قیمت‌ها و توزیع وجودی را که پرولتاپیای شهرهای دیگر به رسم کمک و همیستگی ارسال کرده بودند، بر عهداد داشتند. شورا همچنین دست به سازماندهی یک میلیشیای کارگری زد. (۵۳) برغم این اقدامات، مطالبات این شورا عدالت اقتصادی بود و هنوز یک شورا به معنای واقعی کلمه نبود.

پس از اعتضاب ایوانو-وزنسنیسک، مهمترین اعتضاب، در ماه ژوئن در لودز شکل گرفت. اعتضاب کارگران لودز با مطالبه افزایش دستمزدو نیز کاهش ساعات کار آغاز گردید و سریعاً به یک اعتضاب عمومی تبدیل شد. پس از سرکوب خونین کارگران ایوانو-وزنسنیسک توسط ارش، کارگران لودز با نیروهای سرکوب تزار درگیر شدند. با خلع سلاح تعدادی از نیروهای ارش و سنگ بدندی در خیابانها با نیروهای نظامی به نبرد پرداختند. نبرد خیابانی کارگران لودز سه روزه نیامد. (۵۴) اعتضاب کارگران ایوانو-وزنسنیسک و لودز، مرحله نوینی در رشد و ارتقاء جنبش کارگری در روسيه بود. این اعتضابات بویژه از این جهت حائز اهمیت بودند که کارگران شساجی با کمیت وسیع شان به جنبش اعتضابی پیوسته و به جنبش سراسری کارگران در مبارزه علیه تزاریسم ابعاد نوینی می‌دانند.

تا این مقطع، دیگر عمل نشان داده شده بود که طبقه کارگر روسيه و در پیش‌پیش آن متباور از ۳ میلیون کارگر صنعتی، یکانه نیروی پیکر و پیش‌تاز در مبارزه و رهبر بلا منازع انقلاب است. تحت تاثیر مبارزات و اعتضابات وسیع کارگران، اقتشار دیگر خلق نیز به حرکت درآمدند. دهقانان در بخش وسیعی از روسيه دست به شورش زدند و جنبش دهقانان بویژه در اوکراین، گرجستان، اطراف ولگا، و سواحل بالتیک اوج گرفته بود. محصلین و دانشجویان، روشین‌فکران و گروههای از مستخدمین به جنبش مبارزه علیه تزاریسم پیوسته بودند. در نیروهای مسلح تزاری نیز نارضایتی و اعتراض بالا گرفته بود. در ژوئن ۱۹۰۵، ناویان رزمیان پوتیمکن دست به شورش زدند.

جنبش کارگری در پاییز با اعتله نوینی روبرو گردید. اعتضاب کارگران چاپخانه‌های مسکو در ماه سپتامبر حاکی از رشد و ابتداً جنبش کارگری به مرحله‌ای نوین بود. چرا که این اعتضاب مورد حمایت و پشتیبانی تمام کارخانه‌های مسکو قرار گرفت. و در پی آن یک اعتضاب عمومی سیاسی شکل گرفت. موج این اعتضاب به سن پطرزبورگ و برخی شهرهای دیگر نیز کشید. در ۱۶ اکتبر، کارگران راه آهن مسکو-غازان اعلان اعتضاب نمودند. این اعتضاب، سراسر راه آهن روسيه را فرا گرفت. کارکنان وسائل حمل و نقل شهری، برق و تلفن نیز به اعتضاب پیوستند. حدود ۲ میلیون نفر، در اعتضاب عمومی سیاسی اکتبر شرکت داشتند. (۵۵) که بیش از یک میلیون آن را کارگران صنعتی تشکیل میدانند. (۵۶) اکنون دیگر کارگران با ابتکار و اتوریته انقلابی خویش، آزادی را به دست آورده بودند و عملاً مطالبه ۸ ساعت کار را به مرحله اجر اکا شتمیدند.

دردادمه موج اعتضابات کارگری که از ۱۹۰۱ روسيه را فرا گرفت، سال ۱۹۰۵ با یک موج اعتضاب و اعتراض کارگری جدید آغاز گردید که بسیار وسیع تر و گسترده‌تر از سال‌های گذشته بود.

در سوم ژانویه ۱۹۰۵، دوازده هزار تن از کارگران کارخانه‌های اسلحه سازی پوتیفیل، باربیگر دست به اعتضاب زدند. این اعتضاب، مقام برهر چیز از روی حیو احساسات عالی پرولتاری در زمینه همبستگی کارگری ناشی می‌شد. اعتضاب دراعتراض به انتخاب رئیس‌جمهور در ۴ تن از کارگران آغاز گردید. در صدر مطالبات کارگران انتصابی پوتیفیل بازگشت کارگران آخراجی قرار داشت. اما علاوه بر این، کارگران، خواهان تقاضای ساعت کار به ۸ ساعت در روز، افزایش دستمزد و تشکیل کمیسیونی از منتخبین کارگران شده بودند که بر امر اخراج کارگران و امور بهداشتی در کارخانه نظارت داشته باشد.

اعتصاب کارگران پوتیفیل مورد حمایت کارگران دیگر در سن پطرزبورگ قرار گرفت. این اعتضاب در عین حال محکم برای برق‌پائی اعتضاب در کارخانه‌های دیگر بود. در مدتی کوتاه گروه کثیر از کارگران کارخانه‌های سپتامبری در ایوانو-وزنسنیسک در ۱۲ مه آغاز شد. ۷۰۰۰ کارگر به اعتضاب پیوستند. این اعتضاب ۷۲ روز بطول انجامید. در جریان همین اعتضاب بود که نخستین شورای نمایندگان کارگران شکل گرفت که ۱۱۰ نماینده از کارخانه‌های مختلف در آن شرایط که اعتضابات به سرعت گسترش می‌یافت و نارضایتی و زوبویاتوفی، کوشیدند تا ابتکار عمل را به دست بگیرند و جنبش طبقاتی کارگران را منحرف سازند. "جمع کارگران کارخانه‌های روس" که کشیش کاپون در راس آن قرار داشت، کارگران سن پطرزبورگ را فراخواند که روز ۹ ژانویه به سوی کاخ زمستانی تزار راهپیمائي کشید و عرضه‌ای راکه مشتمل بر مطالبات آنهاست، به "پدر ملت" تقیم کند.

کارگران آگاه و پیشو اسوسیالیست که ماهیت تزار و "جمع کارگران کارخانه‌های رویس" را بخوبی می‌شناختند، کوشیدند با تبلیغات خود در میان توده‌های کارگر، نقشه‌های گاپون را بر ملا سازند. اما در آن ایام هنوز اکثریت کارگران درنا آگاهی و توهمندی و دعوت گاپون را پذیرفتند. با این وجود کارگران پیشو و عضو حزب سوسیال-دموکرات کارگری روسيه با مداخله فعل در مجتمع کارگری که مطالبات را مورد بحث قرار میدانند کوشیدند مطالبات را دریابیکل کشند. لذا در عرضه‌ای که تنظیم شد، تشکیل مجلس موسسان براساس حق رای برابر، مستقیم و مخفی، "خواست عفو محکومان سیاسی، آزادی سیاسی، مستویت و زیربان در برابر مردم، تساوی افراد در برابر قانون، آزادی مبارزه کار و سرمایه، آزادی مذهب، ۸ ساعت کار در روز" و برخی مطالبات دیگر گنجانده شده بودند. این عرضه چنین پایان می‌یافت: "مادریگر تاب تحمل نداریم. ما به آن لحظه هولناکی رسیده ایم که برایمان مرگ بهتران داریم رنج های توان فرساست. در برابر ما تنها دو راه وجود دارد. یا آزادی و خوشبختی یا گورستان...". (۵۱)

روز ۹ ژانویه حدود ۱۴۰۰۰ کارگر و خانواده‌های آنها، در راه پیمایی به سوی کاخ تزار شرکت کردند، تا دادخواست خود را به تزار تقديم کشند. اما تزار پاسخ کارگران را با گلوله داد. نیروهای مسلح تزار راهپیمایان را به گلوله بستند و چنان قتل عامی برای دهانه شده بودند. یکشنبه خونین نام گرفت. در این روز حدود ۲۰۰۰ تن از زن و مرد و کودک کشته و در همین حدود زخمی شدند.

بعد این قتل عام اعلام کرد که کشیش گاپون نیز فردای روز قتل تزار شرکت کردند، تا دادخواست خود را به تزار تقديم کشند. را از مردم جدا می‌سازد. اکنون زمان آن است که کارگران روسيه، بدون او برای آزادی سیاسی مبارزه کنند." اما بقول لنین: "این صدای کشیش گاپون نبود. این صدای آن هزاران هزار و میلیونها میلیون کارگران و دهقانان روسيه است که تا همین دیروز از روی خامی و نا آگاهی به پدر، تزار اعتماد داشتند و نجات از این سرنوشت تحمل نایبیز را از "خد" پرمان تزار درخواست میکردند." (۵۲)

در یکشنبه خونین پتروگراد، ارتش تزار، کارگران، زنان و کوکانی را "شکست" داد که در یک راهپیمائی آرام و مسالمت آمیز برای تظلم خواهی، پسونی "پدرملت" دست دراز کرده بودند. اما این شکست کارگران نبود. شکست آخرین توهمندی در صفوی عقب مانده ترین سال آموزش دیدند و درس آموختند. کارگران در این یکروز بهانده دهها سال آموزش دیدند و درس آموختند. یکشنبه خونین پتروگراد به کارگران آموخت که تزار دشمن "ملت" است

انجام داده بودند. علاوه بر این در جنبه سورای مسکو، سورای نمایندگان سربازان نیز شکل گرفته بود که می توانست نقش مهمی در جریان قیام مسلحانه ایفا نماید. لذا مجموعاً در مسکو شرایط برای قیام مسلحانه آماده بود و هر لحظه امکان داشت کارگران دست به اسلحه ببرند. با بحرانی شدن اوضاع، سورای نمایندگان کارگران مسکو در واکنش دسامبر دعوت به اعتضاب عمومی سیاسی نمود. این اعتضاب از ۷ دسامبر آغاز و تا ۹ دسامبر متداوم از ۲۰۰۰۰ کارگر به اعتضاب پیوسته بودند. اعتضاب عمومی سیاسی مسکو که توام با تظاهرات بود، به درگیری و زد خورد کارگران با نیروهای ارتتش انجامید. عصر ۹ سپتامبر کارگران مسکو نخستین باریکاد را برپا کردند. تا فردا آن روز تمام مسکو سنگر بندی شد. کارگران به قیام مسلحانه برخاسته بودند. زدو خورد با نیروهای نظامی تشید شد. برغم این که پلشویک ها از مدت‌ها پیش، به تدارک قیام پرداخته بودند، اما در عمل نشان داده شد که جنبش کارگری بسی فراتر رفته است. در جریان قیام، کارگران قهرمانانه با نیروهای نظامی تزار جنگیدند. کارگران در جریان این قیام، تاکتیک های نوینی را دربرنرد خیابانی به خدمت گرفتند. جو خواهی رزمی با استفاده از تاکتیک های چریکی، نیروهای نظامی دشمن را مورد حمله قرار میدادند. و ضربات جدی بدآنانه وارد می ساختند. نیروهای نظامی مستقر در مسکو از مقابله با کارگران مسلح باز مانده بودند. چندین هزار نیروی نظامی امدادی به مسکو اعزام شد تا قیام کارگران را درهم بشکند. کارگران ۹ روز جنگیدند و مقاومت کردند. تنها در ۱۵ دسامبر بود که نیروهای دولتی برتری بدست آورند و روز ۱۷ سپتامبر آخرین سنگر کارگران از خیابان پرسنیا برچیده شد. نیروهای مسلح تزار قیام مسکو را درهم شکستند.

در جریان قیام مسلحانه کارگران مسکو، کارگران برخی از شهرهای دیگر نیز در حمایت از کارگران مسکو، دست به قیام زدند. ۱۲ دسامبر در نیژنی نووگورود قیام مسلحانه صورت گرفت. ۱۳ دسامبر قیام، شهر رستف را در برگرفت. در نوروسیسک اعتضاب به قیام انجامید. در کراسنوف یارسک، سورای کارگران و سربازان تشکیل شده و وظائف حکومت انقلابی را بر عهده گرفت. در چیتا، پادگان شهر به کارگران پیوست و سورای نمایندگان سربازان و قزاقان حکومت شهر را عملاً در دست داشت. (۶۰) اما پطرزبورگ که می توانست نقش مهمی در تغییر توازن قوای و شکست قطعی تزاریسم ایفا نماید به قیام برخاست. سورای پطرزبورگ عمدتاً تحت رهبری جناح مشویک حزب قرار داشت که تمایلی به برپائی قیام نداشت. از این گذشته در سوم دسامبر، نیروهای نظامی تزار با محاصره سورای پطرزبورگ، گروه کثیری از اعضاء آن را دستگیر کرده بودند. لذا فراغوان گروهی از کارگران به قیام، بدون جواب ماند. قیام کارگران مسکو درهم شکست. هرچند که این قیام نقطه اوج انقلاب بود و پس از آن قوس نزولی انقلاب آغاز میگردد، اما این بدان معنا نبود که جنبش کارگری بطورکلی سرکوب شده‌انقلاب با شکست قطعی روپرتو شده است. تظاهرات و اعتضابات کارگری در سال ۱۹۰۶ همچنان ادامه یافت. دو میان کنفرانس سراسری اتحادیه های کارگری که نماینده ۲۰۰۰۰ کارگر بود، برغم غیر قانونی بودن اتحادیه ها، در فوریه ۱۹۰۶ تشکیل گردید. (۶۱) رژیم تزاری زیر فشار مبارزه کارگران مجبور شد در ماه مارس ۱۹۰۶ اتحادیه ها را قانونی کند، هرچند که باز هم محدودیت هایی برای فعالیت های کارگران قائل شد، از جمله این که اتحادیه های نمی توانستند برای افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار از حربه اعتضاب استفاده کنند. اما کارگران بدون توجه به این محدودیتها به اعتضاب ادامه دادند به نحوی که تنها در سال ۱۹۰۶ موسسات تحت نظر ادارت بازرسی کارخانه ها ۱۱۰۸۰۰ کارگری که در اعتضاب شرکت کرده اند ثبت شده اند. (۶۲) در طول سال ۱۹۰۶ علاوه بر اعتضابات گسترده کارگری، جنبش های دهقانی نیز همچنان تداوم یافت. سورش هائی در نیروهای مسلح تزار صورت گرفت و در ماههای ۱۹۰۶ ناویان و سربازان در کرنشتات دست به قیام زدند. نبردهای پراکنده پارتیزانی و حملات نظامی جو خواهی های رزمی به نیروهای نظامی و باند های سیاه نیز ادامه داشت. تنها با کودتای سوم ژوئن ۱۹۰۷، انحلال دوماً و بر چیدن ته مانده آزادی ها بود که انقلاب با شکست قطعی به پایان رسید.

## ( ادامه دارد )

### زیرنویس ها:

- ۵۰\_جنیش بین المللی طبقه کارگر\_جلد سوم
- ۵۱\_تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی
- ۵۲\_تاریخ مختصر حزب کمونیست شوروی
- ۵۳\_روزهای انقلاب\_لینین
- ۵۴\_تاریخ مختصر جنبش جهانی اتحادیه ای\_ولیام فاستر

از بطن اعتضاب عمومی سیاسی اکتبر، سوراهای نمایندگان کارگران سر بر آوردند. در ۱۳ اکتبر، کارگران سن پطرزبورگ دست به ابتکار تاریخی عظیم خود زدند. نمایندگان کارگران از کمیته های مختلف اعتضاب، در یک نشست مشترک، از کارگران سن پطرزبورگ خواستند. که نمایندگانی را برای عضویت در سورای شهر انتخاب کنند. نخستین اجلاس سورا، پس از این فراغوان با حدود ۹۰ نماینده از ۴۰ کارخانه تشکیل گردید. این سورا در اندک مدتی گسترش یافت به نحوی که پس از اجلاس دوم ۲۶۶ نماینده از ۹۶ کارخانه و ۵ اتحادیه در آن حضور داشتند. این ارقام بعداً به ۵۶۲ نماینده از ۱۱۱ کارخانه و ۱۶ اتحادیه رسید. سورای سن پطرزبورگ از میان خود یک کمیته اجرائی برگزید که مسئول رفق و فقط امور روزمره و پیشبرد مصوبات و وظائف سورای نمایندگان بود. ایزوستیا نیز به عنوان ارگان شورا منتشر گردید. اندکی پس از تشکیل شورای نمایندگان کارگران در سن پطرزبورگ، سورای نمایندگان کارگران مسکو نیز تشکیل گردید که کارگران پنج رشته فلن، راه آهن، نجاری، چاپخانه ها و دخانیات نقش فعالی داشتند. علاوه بر سن پطرزبورگ و مسکو، سوراهای در بیش از ۵۰ شهر و محل اسکان کارگران شکل گرفتند. (۵۷) این سوراهای محض تشکیل، کنترل اداره امور شهر را در دست میگرفتند. به خدمات شهری نظم میدادند، توزیع مواد غذایی را سازمان میدادند. نظم را در شهر برقرار می ساختند و پارهای از مطالبات کارگران از جمله ۸ ساعت کارروزه اند را معمول می ساختند. عموماً در این شوراهای ہژمونی با پرولتاریای صنعتی بود که عدالت کارگران سوسیال دمکرات بودند.

به عنوان نمونه: ۵۶۲ نماینده از ۱۴۷ کارخانه، ۳۴ کارگاه و ۱۱۶ اتحادیه پایتخت به عضویت سورای پطرزبورگ انتخاب شده بودند. در میان نماینده ۲۵۰۰۰ کارگر سن پطرزبورگ بود. در میان نمایندگان، شورا کارگران فلن، ۵۷ کارگر نساجی و ۲۲ کارگر چاپ بودند. از این تعداد ۶۵ درصد اعضاء حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، ۱۶ درصد اس ار و ۲۲ درصد بیون ولستگی حزبی بودند.

"از ۱۷۰۹ نماینده ۲۱ شورا، ۱۳۱۸ تن کارگران صنعتی (درصد ۷۳) تن کارگران یقه سفید، ۵۶ تن نمایندگان اتحادیه های روشنفکران خود بورژوا، ۱۲ پژشک و ۱۱ معلم و دانشجو بودند. در تعدادی از شوراهای دهقانان سربازان و ملوانان نیز حضور داشتند". (۵۸)

طبقه کارگر روسیه، در بطن انقلاب و همزمان با ایجاد شوراهای به عنوان ارکانهای اعمال حاکمیت انقلابی، تشکل های صنفی خود را نیز ایجاد نمود. طبقه کارگر که آزادی سیاسی را با نبرد در خیابانها بدست اورده بود، آزادانه دست به کار ایجاد اتحادیه های کارگری زد. نخست، کارگران چاپخانه های مسکو، اتحادیه خود را تشکیل دادند و سپس اتحادیه های دیگر شکل گرفتند. اتحادیه کارگران فلن در سن پطرزبورگ و اورال، اتحادیه کارگران نساجی، اتحادیه سراسر کارگران راه آهن یکی پس از دیگری تشکیل شدند. تا پائیز ۱۹۰۵ حدود ۴۰ اتحادیه کارگری با ۳۰۰۰ عضو در سن پطرزبورگ شکل گرفته بودند. (۵۹) در ماه سپتامبر، نخستین کنفرانس سراسری اتحادیه ها در مسکو تشکیل گردید که نمایندگان ۲۶ اتحادیه و گروه کارگری از مسکو و ۱۰ اتحادیه از شهرهای دیگر در آن حضور داشتند. در نوامبر ۱۹۰۵ دفتر مرکزی اتحادیه های سن پطرزبورگ سازمان یافت که نمایندگان آن عضوشورای سن پطرزبورگ نیز بودند.

رشدواعتاً جنبش کارگری، اعتضاب عمومی سیاسی اکتبر، و شکل گیری شوراهای نمایندگان کارگران، تزار را به شدت هراسناک نمود. همان تزاری که چند ماه پیش، راه پیمایی مسالمت آمیز کارگران را به خون کشیده بود، اکنون تاکتیک دیگری در پیش گرفته بود و در حالی که مردم خود، آزادی را با نبرد بدون نظر و موافقت مقامات بدست اورده بودند، و عده آزادی را به مردم میداد. پس از شکست دومای مشورتی بولگین که با تحریم وسیع کارگران و زحمتکشان رو برو شده بود، تزار بیانیه ۱۷ اکتبر تزار هدف دیگری جز کند کردن لب تیز مبارزه کارگران را نداشت. اما کارگران دیگر نه به تزار اعتماد و یا توهمند داشتند و نه به وعده هایش، در مورد آزادی و دومای جدید. کارگران در تارک سرنگونی تزار و کسب قدرت سیاسی بودند.

جناب بلشویک حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه که تمام روند تحول انقلاب تأییدی بر صحت استراتژی و تاکتیک های آن بود، تارک نظامی قیام را در دستور کار قرار داده بود و پیگیرانه کارگران را به قیام براز سرنگونی تزاریسم دعوت میکرد. در این میان مسکو، برخلاف شورای پطرزبورگ که از هر جای دیگر بود. در شورای مسکو، برخلاف شورای پطرزبورگ که در آن منشویکها دست بالا را داشتند و به اشکال مختلف مانع از رادیکال شدن شورامیشند، بشویکها نقش رهبری کننده را داشتند. در اینجا شورا آمادگی بیشتری داشت که به ارگان اتحادیه ای قیام تبدیل شود. از نظر تارک نظامی قیام، کمیته مسکو حزب، که عدالتاً بشویک بودند، اقداماتی

## ستون مباحثات

- کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کاربه ابراز نظرات مدافعين سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاص یابد.
- مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب میگردد.
- هر مقاله‌ای که برای درج در این ستون ارسال میگردد حد اکثر میتواند حدود ۲۰۰۰ کلمه یا دو صفحه نشریه کار باشد.

### از رد قطعنامه کمیته مرکزی تا نقی واقعی سیاستهای راست روانه

#### نگاهی اجمالی به سومین کنگره اتحاد فدائیان خلق ایران

سافخا هم نیست . مقصود بیشتر ، یکی تجسم آن فضایی است که رفقای سافخا در آن فضا به استقبال کنگره میروند و بعد هم ملاحظه آن واکنشی است که شرکت کنندگان در کنگره ، در برابر مشی راست روانه کمیته مرکزی از خود نشان میدهند.

بهر حال طبق گزارش برگزاری این کنگره و همانطور که انتظار میرفت ، مستلزم انتخاب خانتمی ، اوضاع سیاسی و تحولات جاری جامعه ، یعنی همان موضوعاتی که (ک. م) سافخا را به اتخاذ یک سیاست عمیقاً راست روانه و رویکرد به شعارهای حزب توده و اکثریت کشانده بود و این سیاست با وضوح آشکاری در قطعنامه پیشنهادی آن تجلی می یافت ، به "مهمنترین موضوع مورد بحث کنگره" (۳) تبدیل شد و "بیشترین زمان نسبی را نیز بخود اختصاص داد ." (۴) گرچه کمیته مرکزی قطعنامه پیشنهادی خود را چه به لحاظ برخوردار هائی که از بیرون با آن شده بود و چه بویژه بعلت مخالفت و برخوردهایی درونی این سازمان و مقاومت بدنده در برابر آن که در مباحث پیش کنگره نیازانکاس یافته بود ، بخواستغیر داد و به منظور زدن وسائلی نیزی ها و بر جستگی هائی که مشی راست روانه آن را سریع و بیواسطه توی چشم میزد ، در این قطعنامه به جرح و تعدیل هائی نیز تن داد! و سرانجام با عنوان " اوضاع سیاسی و وظائف ما " (۵) به کنگره ارائه نمود ، اما با این حال این قطعنامه بیشتر از ۴۷ درصد آرا را کسب نکرد . تصویب این قطعنامه در واقع امرغیری کلی مشی اقلایی این سازمان و تبدیل آن به یک جریان رفرمیستی بود که کنگره خوشبختانه این قطعنامه را تصویب نکرد.

در برابر این گرایش بالشیه قوی رفرمیستی ، قطعنامه دیگری از سوی گرایش اقلایی حاضر در کنگره با عنوان "وظائف ما در شرایط کنونی" (۶) به کنگره ارائه شده بود که این قطعنامه نیز متأسفانه توانست آرای لازم را کسب کند و فقط ۴۴ درصد آرای را بخود اختصاص داد . توازن نیروهای دعوت شده دو گرایش یادشده به کنگره ، بنحوی نبود که یکی از این دو بتواند نقش تعیین کننده ای در تعیین قطعی مشی سیاسی سافخا داشته باشد و مهر خویش را تمام عیار بر آن بکوبد . حتی تعیین دو کمیسیون جدا گانه برای دریافت و بررسی اصلاحات و تغییرات این قطعنامه ها و ارائه مجدد آن به کنگره نیز گرهی از کار نگشود و در دوردوم نیز هیچکدام آرای لازم را بدست نیاورد . تا اینکه کمیسیون جدیدی مرکب از هردو گرایش تشکیل میشود این کمیسیون با استفاده از مقاد مطروحه در قطعنامه های تصویب نشده هردو گرایش ، قطعنامه دیگری تهیه و به جلسه رائے میکند که سرانجام همین قطعنامه ثالث با عنوان " اوضاع سیاسی و وظائف ما " (۷) با ۸۱ درصد آرای به تصویب می رسد .

هرچند قطعنامه مصوب ، به نوعی معدل گیری از دیدگاههای هر دو گرایش است ! هرچند که این قطعنامه بنحوی تنظیم شده است که گرایش راست میتواند از خل و فرج آن به نفع سیاستهای رفرمیستی خود از آن استفاده نماید ! هرچند که این قطعنامه شفافیت لازم را ندارد و مواضع مطروحه در آن ، هنوز با مواضع یک نیروی چپ رادیکال خیلی فاصله دارد ! اما این قطعنامه هرچه هست لائق دران بر افضل للاشهای خاتمی برای حفظ چارچوب رژیم " بر سازماندهی جنبش های اعتراضی و تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل توده ای " بر مبارزه علیه کلیت رژیم " و سرانجام بر " شدید مبارزه برای ایجاد یک آلتنتیو اقلایی دمکراتیک جهت سرنگونی جمهوری اسلامی " ←

سومین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران (از این پس سافخا) ، در تیر ماه ۷۷ برگزار گردید . این کنگره ، اگر چه طبق روال معمول برگزار میگردد ، اما مصادف شدن آن با تحولات بعد از انتخابات ریاست جمهوری و ظهور پدیده خاتمی ، خصوصاً جنبه بحث های مطروحه در این زمینه و تاثیرات آن بر روی نیروهای اپوزیسیون ، به این کنگره و مصوبات آن ، اهمیت ویژه ای میدارد . واقعه دوم خداد همانطور که میدانیم ، راست روی بلا واسطه بسیاری از جریانات اپوزیسیون را در پی داشت . در آغاز ، گرچه این جریانات بورژوائی و راست ترین سازمانها و گرایشها سیاسی باصطلاح اپوزیسیون بودند که به حمایت و دنباله روى از جریان خاتمی روی آوردن ، اما قضیه در این محدوده باقی نماندو به سرعت دامن پارهای از جریانات چپ و انقلابی را نیز گرفت . رفقای سافخا بویژه رهبری آن نیزولو با کمی تاخیرو دولتی ، در برابر این حادثه سیاسی خود را باختند و با نشان دادن ناپایداری عمیق خود ، در این مسیر گام نهادند .

کمیته مرکزی (ک. م) سافخا که انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرده بود ، بلا فاصله بعد از این واقعه ، یعنی در پائیومی که تیر ماه ۷۶ برگزار نمود ، با دستیار چگی ویژه ای که حکایت از تقابل به جبران مافات میگرد ، از " ضرورت " بازبینی سیاستها (۱) این سازمان سخن به میان آورد . با اینهمه علی رغم تأکید بر " بازبینی سیاستها " که هنوز حرف و عبارتی کلی بود ، کمیته مرکزی در آن مقطع درمجموع از تاکتیک تحریم دفاع نمود و فقط اقلیت محدودی از کمیته مرکزی این سازمان بود که تاکتیک تحریم را اشتباہ میدانست و از اتخاذ چنین سیاستی نام و شرمگین بود . معهدها دیری نپاید تا پرده از روی عبارت کلی " بازبینی سیاستها " کثار زده شود تا مفهوم واقعی این عبارت ، همچنین هدف نهایی (ک. م) نیزد مرعرض دید همگان قرار بگیرد .

قضیه از این قرار بود که (ک. م) سافخا ، مطلبی را با عنوان "انتخابات دوم خرداد ، شعارهای تاکتیکی و وظائف ما " (۲) در نشریه اتحاد کار بعنوان مباحث پیش کنگره به چاپ رساند ، تا کنگره روی آن بحث و تصمیم گیری نماید . هر کس این نوشته و یا قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی را ولو با اندکی دقت مطالعه کرده باشد ، یقیناً این موضوع را نیز متوجه شده است که چگونه ظرف چند ماه ، سیاست راست روانه اقلیت کمیته مرکزی به کل کمیته مرکزی این سازمان تسری یافته است . مواضع علیقار است اتخاذ شده در این نوشته و توجیهاتی که (ک. م) برای آن تراشیده بود به جرات میتوان گفت که در تمام طول حیات این سازمان بیسابقه بود . کمیته مرکزی در این شاهکار ، با توجیهات عدیده شبیه اکثریتی و حتی با استفاده از الفاظ و کلمات بدیع و نو ظهوری نظیر " مرتفع " نمودن و یا " بلعیدن " جمهوری اسلامی البته بجالی براندازی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ، سعی کرده است تا بی فایده بودن این مقوله اخیر یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی را اثبات کند ، سافخا را به دنباله روی از جریانات حکومتی بکشاند و مبارزه آن را در چارچوب شرایط موجود و نظام جمهوری اسلامی محدود سازد و خلاصه با رونویسی از روی دست حزب توده ، شعار " الگا ولایت فقیه " را به شعار و سیاست محوری سافخا تبدیل کند .

در اینجا هدف ، پرداختن به تمام مباحث مطرحه در این شاهکار کمیته مرکزی سافخا نیست . سازمان ما درستون از میان نشریات کار ۳۱۱ با این نوشته برخور کرده است و علاقه مندان میتوانند به آن مراجعه نمایند . افزون بر این قصد من در اینجا پرداختن به تمام مسائل و مباحث مطرحه در کنگره

## زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

سازمان عمل همان سیاست راو یا تقریبا همان سیاست را بطورغیر رسمی پیش برد، از افشاء دارو دسته خاتمی و بلوك ارتقای حامی وی خودداری ورزیده و حملات خویش را اساسا متوجه یک جناح رژیم نموده است. بنابراین صرف نظر از خلل و فرج موجود در قطعنامه صوب کنگره که به ک. م امکان میدهد به نفع سیاستهای راستروانه خودآزان استفاده نماید، باید در نظرداشت که ترکیب دو گرایش اصلی با توجه به اینکه گرایش راست که وزن هریک را نشان می دهد، همچنین با توجه به اینکه گرایش راست اساسا در کمیته مرکزی که پیش برندۀ سیاستها هم هست تراکم یافته است، احتمال شکنندگی مواضع بالاست و این ها می توانند زمینه مساعدی برای لغزنده ای از مواضع فراهم کنند. دره رحال رد قطعنامه کمیته مرکزی زمانی امیدوار کننده است که سازش های نظری دو جانبی، در عمل به نفع جریان راست و مخالف سرنگونی رژیم رقم خورد!

**نکته آخر:** آخرين نکته اي که پيرامون رد قطعنامه کمیته مرکزی در سومین کنگره سافخا و دفاع کنگره از سرنگونی رژیم و مشی انقلابی تا کنونی اين سازمان، به اختصار میتوان بدان اشاره کرد اینست که نفی شعارهای حزب توده و اکثریت، تاکید بر جنبش های اعتراضی و جنبش های مستقل توده ای، تاکید بر مبارزه علیه کلیت رژیم و ... اگرچه تماما نکات درست و درخور اهمیتی هستند، اما هنوز در هویت دادن به یک سازمان بعنوان جريانی رادیکال و انقلابی بویژه جريانی که خودرا چپ و کمونیست میداند بهیچوجه کافی نیست! یک نیروی حقیقتا انقلابی، نیروی چپ رادیکال در برخورش به رژیم سیاسی حاکم نمی تواند و نیاید صرفا در حد يک اقدام و نگرش سلیمانی در جا بزند، ضرورت دگرگوئیهای عمیق اجتماعی را از قلم اندخته و رژیم سیاسی ایجابی را بفراموشی بسپرد. چنین نیرویی روشن است که نمیتواند و نیاید رخد تاکید بر مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی توقف کند. یک نیروی حقیقتا انقلابی، جريانی که چپ و رادیکال است نه فقط بایستی در تاکیدات و کوییدن مداومش بر انقلاب و براندازی تمامیت رژیم جمهوری اسلامی، بلکه از این هم مهمتر می بایستی در نوع حکومت جایگزین و مختصاتی که برای چنین حکومتی قائل است نیز، انقلابی بودن، چپ بودن و رادیکال بودن خود را ششان پدید.

با تأسف باید گفت که جای یک چنین آلترباتیوی بکلی در مصوبات کنگره سافخا خالی است. کنگره براستقرار یک "جمهوری"؟ خشک و خالی و بعنوان حکومت جایگزین تاکید نموده است و جمهوری خشک و خالی یا جمهوری بطور کلی هر چه هست آلترباتیوی که امروز کمونیستها و چپ های رادیکال برای آن میارزه میکنند نیست. برخورد بهاین نوع حکومت آلترباتیو بررسی این موضوع که "جمهوری" چیست؟ و متضمن منافع چه کسانی است، البته تحریر مقامه مستقل دیگری را میطلبد که اگر فرضتی دست بدده در همین سیستم بآن خواهیم پرداخت. دراینجا همین قدر کافی است بگوئیم که نیروی انقلابی ای که حکومت جایگزین همان حکومت پیشنهادی بورژوا\_لیبرال هاست، چی که آلترباتیو حکومتی اش، همان آلترباتیو راست هاست! این نیرو و لو آنکه کنگره اش، گیریم به هر زبانی مماشات با جمهوری اسلامی را مردود شمرده باشد، در عمل، اگرگوئیم انقلابی بودن، چپ بودن و رادیکال بودن خود را نفی میکند، دست کم، این موضوع را ثابت می کند که هنوز با نفی واقعی سیاست های راست روانه، بسیار فاصله دارد!

## الف - جواد زاده

مهرماه ۱۳۷۷

### زیرنویس ها:

- ۱\_ اتحاد کارشماره ۴۰، مرداد ۷۶ \_ قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی پیرامون انتخابات.
- ۲\_ اتحاد کارشماره ۴۶، بهمن ۷۶
- ۳\_ اتحاد کارشماره ۵۲، مرداد ۷۷ \_ گزارش برگزاری سومین کنگره سازمان
- ۴\_ اتحاد کارشماره ۵۲، مرداد ۷۷\_ تجربه ای دیگر، گامی پیشتر
- ۵\_ این قطعنامه ها در اتحاد کار شماره ۵۲ مرداد ۷۷ به چاپ رسیده است.
- ۶\_ اتحاد کارشماره ۵۲، مرداد ۷۷ \_ سندشماره ۱: قطعنامه درباره اوضاع سیاسی و ظائف ما
- ۷\_ اتحاد کارشماره ۵۲، مرداد ۷۷ \_ سندشماره ۱: قطعنامه درباره اوضاع سیاسی و ظائف ما
- ۸\_ اتحاد کارشماره ۵۲ ، مرداد ۷۷\_ تجربه ای دیگر، گامی پیشتر

تاکید شده است و افزون براینها دیگر از شعار "الغا ولايت فقيه" و داستان دفاع از "جمهوریت" در برابر "ولايت" و "مرتفع" سازی و "بلعیدگی" جمهوری اسلامی خبری نیست. "الغا ولايت فقيه" شعار مرکزی پیشنهادی کمیته مرکزی که معنایش زدن مهر تائید بر ماندگاری جمهوری اسلامی ولو با محدودیت قدرت ولی فقيه یا آنطور که دوستان ما از آن یاد می کردند تقویت و دفاع از جمهوریت در برابر ولايت بجائی نرسید. شعارهای حزب توده و اکثریت که میرفت جای خودرا در سیاستهای سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران باز کند، با مقاومت روپرورگردید و گنگره، در مجموع با زدن دست رد بر سینه قطعنامه کمیته مرکزی، این سازمان را عجالتا از سقوط کامل در ورطه رفرمیسم نجات داد. این، البته اگرچه نکته مثبت و خوشحال کننده ای است و من شخصا خوشحال از اینکه مشی راستروانه توافانت و یا همان بهتر که گفته شود عجالتا توافانت رسما به مشی غالب این سازمان تبدیل شود، اما در این رابطه چند نکته قابل ذکر وجود دارد که نمیتوان از کنار آن گذشت.

**نکته اول :** در نشریه اتحاد کار، این موضوع که در گنگره "اختلاف نظرهای عمیقی" (۸) پیرامون مسائل سیاسی و تحولات روز جامعه وجود داشته است تا آنجا که "بحث و جدل ها گاه بسیار تند" می شده و "صدایها بالا می گرفته" (۹) است، نیز انعکاس یافته و گفته شده است که برغم اینها، گنگره توافنته است اتحاد خود را حفظ کند. من شخصا بر این باورم که این موضوع را نیز بسان رد قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی بایستی بفال نیک گرفت. بشرط آنکه چنین کوششی که در هر حال کوشش برای جلو گیری از پراکندگی بیشتر در صوف نیروهای انقلابی و چپ بحساب می آید، اولا با زیر گرفته شدن یا نقض اصول مورد اعتقاد دو گرایش مختلف همراه نبوده باشد و این دو، مصلحتنا با یکدیگر سازش نکرده باشند. یعنی همانطور که در نشریه این سازمان هم آمده است که "واقع برسر اصول اختلاف نبود" (۱۰) برسر اصول واقعا اختلافی نبوده باشد. بدیهی است که در این صورت سازشی هم اگر که صورت گرفته باشد، یک سازش اصولی است و سازش گرایش انقلابی با گرایش رفرمیستی بی آنکه گرایش نخست را به گذشت از اصول خود کشانده باشد، قابل دفاع است و اصولی! در این رابطه اشاره به یک نکته، شاید خالی از فایده نباشد. اینکه چپ، اگرگوئیم هرچه دارد تجربه انشعاب است، به جرات می توان ادعا کرد که تجربه انشعاب، فراوان دارد! درزینه اتحاد و همکاری اما دستش بکلی خالی و فاقد تجربه است در عین آنکه سخت و مثُل نان شب بدان نیازمند است. حفظ اتحاد در چنین شرایطی ولو با وجود اختلافات حاصل نفع بیشتری میرساند به چنبش انقلابی تا انشعاب! بویژه آنکه اگر قرار باشد شده شدن و انشعاب در یک سازمان به افعال و سرانجام اضمحل بخشی از این جریان بعنوان یک نیروی سیاسی متشکل بیانجامد\_ آنطور که فرضا در موردرفقای منتسب از راه کارگر(اتحاد کارگران) انجامید\_ چنین انشعابی، نفعی به چنبش انقلابی نمی رساند که هیچ در جهت تضعیف آن هم هست.

**نکته دوم :** رد قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی میتواند موجب خوشحالی، امازمانی امیدوار کننده است که سیاستهای سافخا اکنون و بعد از پایان کنگره، نه بر پایه حال و هوای همان قطعنامه رد شده یعنی تقليدانه شعار "طرد ولايت فقيه" و تاکتیک حزب توده و خلاصه نفی عملی امر سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه حرفا" و عمل برقایه در دستور قرار دادن موضوع انقلاب و سرنگونی تمامیت رژیم استوار باشد و تمامی تاکتیک های دیگر در خدمت این تاکتیک اساسی و محوری قرار بگیرد. اینطور نباید کنگره فرضا بنا به توافن نیروهای حاضر در آن و یا احیانا بنا به مصلحت (!؟) چیزی را تصویب کرده باشد، اما بعد در عمل چیز دیگر بیش برده شود. آنطور که بعنوان مثال تا حدودی در سازمان راه کارگر هم شاهد این تلاش و قضیه بوده ایم. سازمان راه کارگر نیز که انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرده بود، بلافضله بعداز انتخاب خاتمی به موضوع راست در غلطید تا آنجا که در این مسیر، یکی از رفقی رهبری این سازمان (شالگونی) تا آنجا پیش رفت که علنا موضوع حمایت از خاتمی را هم مطرح کرد. با وجود آنکه کنگره راه کارگر البته با یک اکثریت ضعیف و شکنندگ، از تاکتیک تحریم دفاع و مشی همانطور که تا حدودی شاهد بوده ایم این گرایش بعنوان مثال در نشریهای

## رکود واحدهای صنعتی و تداوم بیکارسانیها

**استان کرمانشاه :** مدیر کل کار و امور اجتماعی استان کرمانشاه گفت از مجموع ۱۷۰ واحد صنعتی موجود در این استان، ۱۱۰ واحد دچار رکود شده و باقی کارخانه ها و کارگاههای نیز به حالت نیمه فعال درآمده اند. وی چویندگان کار این استان را ۸۸ هزار نفر و نزدیکی را رقمی بیش از ۶/۱۷ را در صد اعلام نمود.

**استان فارس :** براساس آمار اداره کل کار و امور اجتماعی استان فارس، هم اکنون بیش از ۱۰۵ هزار نفر در این استان مقاضی کار هستند. اداره کل فنی و حرفه ای این استان گزارش داد که در حال حاضر فعالیت نزدیک به ۲۲۶ واحد تولیدی صنعتی در این استان به حالت رکود درآمده است.

قابل ذکر است که ظرف شش ماهه اول سال جاری بیش از ۱۳ هزارو ۳۰۰ تن از چویندگان کاردار استان فارس، در ادارات کار این استان نام نویسی کردند که از مجموع این افراد ۸۷۰۰ نفر مرد و افزون بر ۴۵۰۰ نفر زن هستند و ظرف این مدت زمینه اشتغال ۵۱۶ نفر فراهم شده است و در ضمن بیش از ۴ هزار پرونده مربوط به اخراج کارگران مورد بررسی قرار گرفته است!

**استان اصفهان :** مدیر کل صنایع استان اصفهان میگوید ۷۰۰ طرح صنعتی و تولیدی در این استان نیمه تمام مانده و ۱۴۰۰ میلیارد ریال سرمایه در مناطق صنعتی پلاستقاده مانده است. نامبرده اضافه کرد که سالانه ۱۰۰ هزار نفر به آمار چویندگان کار در این استان اضافه میشود.

روزنامه رسانی یازدهم مهرماه قول یک عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در مورد بیکارسانی کارگران نوشت که در دو ماهه گذشته واحدهای بزرگی مانند پلی اکریل اصفهان، سیمان سپاهان، یافت ناز مشکلات متعددی داشته اند و برای نفوذه تعداد نیرو های مشغول بکار کارخانه یافت ناز از حدود ۵۰۰۰ نفر به ۱۵۰۰ نفر رسیده است. کارگران شرکت نخ کار بدلیل تعطیلی واحد خود، حدود ۹ ماه است که حتی یک ریال از حقوق خود را دریافت ننموده اند.

**استان گیلان :** مدیر شهرک صنعتی رشت در نشست صاحبان صنایع گیلان گفت اخیراً ۳۷ واحد صنعتی دیگر در این شهر تعطیل شده است. نامبرده گفت از مجموع ۱۹۸ واحد صنعتی مستقر در شهر رشت، تنها ۱۰۸ واحد آن در حال فعالیت اند.

در حال حاضر اوضاع در بسیاری از واحدهای تولیدی استان گیلان نایابمان است و کارگران این واحدهای با مشکلات زیادی روبرو هستند. برخی در آستانه تعطیلی اندو کارگران آنها بلاتکلیف و در معرض اخراج و بیکاری قراردارند. آزان جمله اند، ریسندگی خاور، چینی پارس، شرکت تکش کنجه در رودبار، از سوی دیگر بسیاری مراکز تولیدی این استان حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند. کارگران پرسان، نازپوش اندزی، الکتریک رشت، شیر پاستوریزه گیلان، ایران جیکان، جی شمال، تن ساز و ... از ۲ تا ۱۱ ماه است که دستمزدهای خویش را دریافت نکرده اند. در عین حال بنا به گفته یکی از افراد اوابسته به خانه کارگر، بیش از سه چهارم کارگران قراردادی استان، در سال جاری اخراج شده اند و تعداد زیادی از کارگران شرکت های مختلف مانند، کفش ببا، ایران کنف، فرش گیلان نیز از کار بیکار شده اند.

## خبری از ایران

کردند. کارگران در این یادداشت به این مسئله نیز اشاره کرده اند که بمحض آنکه کارگران در صدد پیشگیری مشکلات موجود برمی آیند، به آنان اعلام می شود که کارخانه درحال واکنشی به بخش خصوصی است! در خاتمه این یادداشت، کارگران خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

### اعتراض کارگران وزنه

کارگران شرکت وزنه، در یادداشت اعتراض آمیزی اعلام کردند که مدت ۳ ماه است دستمزدهای خویش را با تأخیر زیاد دریافت میکنند. در این یادداشت، کارگران به این مسئله نیز اشاره کرده اند که نزدیک به یک سال است از دریافت لباس کار، کفش اینمی و دیگر وسائل پیشگیری از حوادث ناشی از کار، محروم شده اند.

\* همچنین کارکنان سازمان فرهنگی هنری تهران، دریک یادداشت اعتراضی، نسبت به عدم پرداخت حقوق هال اعتراض کردند. آنان در یادداشت خود از جمله نوشتند که نزدیک به شش ماه است حقوق دریافت نکرده اند و از این بابت با مشکلات و دشواریهای زیادی روبرو می باشند و در پایان از مسئولین ذیربط تقاضای رسیدگی ننمودند.

### ۸ هزار کارگر در معرض بیکاری

مدیر کل کار و امور اجتماعی فارس در اوخر مهرماه اعلام کرد که در ۶ ماهه دوم سال جاری مشکلات واحدهای تولیدی این استان بیشتر خواهد شد. وی اضافه کرد که ۷۰ واحد تولیدی در این استان در معرض خطر و رشکستگی هستند. نامبرده همچنین عنوان کرد چنانچه مشکلات مربوط به بخش صنعت این استان برطرف نگردید. نزدیک به ۸ هزار نفر نیروی کار واحدهای صنعتی فارس بیکار می شوند.

### اخراج دائمی و قراردادهای موقتی

مدیر شرکت کرمانیت، تولید کننده لوله ورق آزیست، کارگران این شرکت را بطور دسته جمعی اخراج نمود تا سپس با انعقاد قرار دادهای موقت کار با این کارگران، هر کارگری را که خواست به میل خود موقتاً بکار بارگرداند. بدنبال این اقدام ضد کارگری، ۱۰۲ نفر از کارگران این شرکت، ضمن مراجعة به اداره کل کارگران، نسبت به این مسئله اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به وضعیت استخدامی خود شدند.

### کارگران نفت گچساران و پیمانهای دسته جمعی

کارگران صنعت نفت منطقه گچساران، با ارسال یادداشت اعتراض آمیزی به مشکلات و مطالبات خود اعتراف کردند. کارگران در بیانه خود همچنین نسبت به پارهای محرومیت‌های شغلی از قبیل "برخوردار نبودن از حق اضافه کاری، حق ماموریت و لباس و عدم پرداخت ما به التفاوت افزایش حقوق خود موضوع طرح طبقه بندی مشاغل در سالهای ۷۴ و ۷۳" نیز اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

- ۱\_ مذاکرات و پیمانهای دسته جمعی کار
- ۲\_ آئین نامه نحوه قرار دادهای مربوط به چگونگی تعیین و پرداخت پاداش افزایش تولید
- ۳\_ قانون اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاهها
- ۴\_ ضوابط تبیه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاهها که در زمان انقلاب و جنگ قطع شد، هستیم".

### اعتراض نفتگران پروژه‌ای

۱۴۰۰ تن از کارگران پروژه ای پالایشگاه آبادان، در معرض اخراج قطعی قرار گرفته و بخش "حکم اخراج اشخاص نیز صادر شده است. مسئولین پالایشگاه اخراج آبادان، چندین ماه است که در نظر دارد با وکالتاری کارگران پروژه ای به یک شرکت پیمان کاری، کارگران پروژه ای پالایشگاه نفت آبادان را اخراج کنند. این اقدام ضد کارگری که زیر نظر یک هیئت‌اعزامی از تهران و با هماهنگی مدیر پالایشگاه آبادان در شرشف انجام است. کارگران در اشکال مختلفی از جمله برقائی تجمعات، مخالفت خویش را با این تصمیم‌اعلام کرده و خواهان لغو آن شده‌اند. این کارگران، در ادامه اعتراضات خویش، نامه‌اعتراض کارگران، ۱۲۰۰ کارگر پروژه ای در معرض اخراج، به مسئولین حکومتی نوشتند و برای کارگران ضمن اشاره به نمایندگی از رژیم اسلامی ارسال نموده اند. در این نامه خود، کارگران ضمیمه این مطلب خواسته و در مقابل مطبوعات رژیم نیز ارسال نموده اند. در این نامه کارگران ضمیمه این مطلب خواسته و تجربه کاری خود، خواستار تجدید نظر در حکم اخراج خود شده اند. در ادامه این اعتراضات صبح روز شنبه بیست و پنجم مهرماه نیز ۷۰۰ تن از این کارگران اخراجی با بر پائی یک تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان فرمانداری، خواستار لغو احکام اخراجی و رسیدگی به وضعیت استخدامی خود شدند. بنا به خبری که در روزنامه کار و کارگر چاپ شده است، این کارگران پس از گفتوگو با فرماندار، تا تعیین تکلیف نهایی به سرکار خود باز گشتند.

### تحصین کارگران چیز سازی ساری

کارگران چیز سازی ساری در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق خود، بیست و هشتم مهرماه، دست به تحصین زدند. به دنبال این حرکت اعتصاب آمیز کارگران، استاندار و مدیر کل صنایع کار و امور اجتماعی مازندران، در جمع کارگران حاضر شدند. کارگران متعارض که بیش از ۷ ماه است حقوق ماهانه خود را دریافت نکرده‌اند، ضمن بازگوگردن پارهای از مشکلات خویش، خواهان پرداخت حقوق های معوقه شدند. اما مسئولین مربوطه با عنوان کردن اینکه کارخانه بدھکار است و هیچ بانکی هم حاضر به پرداخت وام بهاین کارخانه نیست، صریحاً عنوان کردند که مشکل ۷ ماه حقوق پرداخت نشده قابل حل نیست. معهذا از کارگران خواسته شد تا نمایندگانی را برای رسیدگی به این مسئله معرفی نمایند.

### جمع اعتراضی کارگران شهرداری

کارگران شهرداری ایلام، با برپائی تجمع اعتراض آمیزی در محل مجتمع فرهنگی و هنری استان، به ابراز نارضایتی پرداخته با صدور و قرائت بیانیه ای نسبت به عدم پرداخت حقوق ماهانه خود اعتراض کردند. کارگران در بیانه خود همچنین نسبت به پارهای محرومیت‌های شغلی از قبیل "برخوردار نبودن از حق اضافه کاری، حق ماموریت و لباس و عدم پرداخت ما به التفاوت افزایش حقوق خود موضوع طرح طبقه بندی مشاغل در سالهای ۷۴ و ۷۳" نیز اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

### مبایزه کارگران تولیدی خزر

بیش از ۴۰۰ تن پرسنل شرکت تولیدی خزر تنکابن، در یادداشت اعتراض آمیزی از اینکه کارفروما بیش از ۴ ماه است حقوق آنها پرداخت نکرده، اعتراض

دادن به طرف میدان انقلاب حرکت کرد. مرگ بر انحصار، نظارت جناحی ملت نمی پذیرد، یزدی استغفا استغفا، حمایت جناحی در سیستم قضائی افشا باید گردد، مجلس فرمایشی ملغا باید گردد، طالبان حیا کن مملکت را رها کن! از جمله شعارهای راه پیامبایان بود. گفتنی است که در جریان این راه پیمانی، اطلاعیه هائی نیز در حمایت از منتظر پخش شد، و سرانجام نیروهای انتظامی جمعیت را متفرق و سده تن را که در جلو صفت شعار میدان، دستگیر نمودند.

### جمع‌اعترافی‌دختران دانشجو

۲۰۰ تن از دختران دانشجویی داشتگاه لرستان، روز ششم‌ماهه با تعطیل کردن کلاس‌های درس و تجمع در مقابل ساختمان اداری این داشتگاه، نسبت به عدم واگذاری اماکن خواب به دانشجویان، اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات مربوط به خوابگاه‌های دانشجویی شدند. لازم به ذکر است که بسیاری از دانشجویان این داشتگاه فاقد خوابگاه‌اند و از این زاویه به مشکلات زیادی روپرور می‌باشد.  
- همچنین بسیاری از دانشجویان مرکز آموزش عالی فتی دختران، با همین مشکل نداشتند خوابگاه‌روپرور هستند، ضمن آنکه هر ساله مبالغ زیادی بعنوان شهریه پایستی پیدارند. یکی از دانشجویان در این مردم‌گویید "خوابگاه‌را دارند تخلیه می‌کنند و تمام وسائل بجهه هارا دارند بیرون میریند. داشتگاه ما یک داشتگاه دولتی است در حالیکه اینها می‌خواهند ترمی ۲۵ هزار تومن از دانشجویان شهریه بگیرند".  
- کمبود خوابگاه‌های دانشجویی تقریباً مشمول کلیه دانشگاه‌ها می‌شود. در برخی از دانشگاه‌ها می‌خواهند با افزوندن بر تعداد نفرات خوابگاه‌ها جبران کنند. یک دانشجو در این باره می‌گوید "برخی ساختمانهای مجتمع کوی دانشگاه تهران که تا سال گذشته دو، سه نفره بودند، الان یک نفر به ظرفیت شان اضافه شده است".

### در مجلس ارتاجع

مجلس ارتاجع درجلسه علنی ۱۲ مهرماه، سرانجام طرح ارتاجعی "اطباقي امور اداری و فنی موسسه های پژوهشی با موازنین شرع مقدس" را به تصویب رساند و باریگر نشان داد که دست کمی از برادران طالبان خویش ندارد. در همین اجلas طرح تشکیل بسیج دانشجویی نیز تصویب شد و فعالیت این ارگان ضد دانشجویی و جاسوسی که از قبل هم وجود داشت، بصورت رسمی و قانونی در آمد. سران رژیم که از تصریف مخالفت عمومی دانشجویان با اقدامات مداخله جویانه و سرکوبگراند رژیم از طریق بسیج دانشجویی آگاهاند، از دانشجویان خواستند به این نیروها به عنوان عامل فشار و نیروی انتظامی نگاه نکنند. رفسنجانی در این مورد گفت: ممکن است برخی افراد به دانشجویان بسیجی بعنوان عوامل فشار و نظارتی نگاه کنند که این یک امر نا جوانمردانه است و دانشگاه‌های این نباید به بسیجیان به عنوان یک نیروی نظامی صرف نگاه کنند. (رسالت ۱۶ مهر)

- لازم به ذکر است که مجلس ارتاجع در جلسه علنی ۱۵ مهر، طرح الحق یک تبصره به قانون "ایجاد تسهیلات برای رودرز مندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه و موسسات آموزش عالی" را نیز به تصویب رساند. بموجب این تبصره، کسانی که حداقل ۶ ماه پیوسته یا ۹ ماه نایپوسته علاوه بر میزان موظفی شرکت در عملیات، به صورت دادوطلبانه در خطوط مقدم جبهه حضور داشتندان، از مزایای این قانون استفاده می‌کنند.

روی آورد. بعد از بحثهای زیادی که در مجلس ارتاجع پیروامون این مستله انجام گرفت، سرانجام با رقم ۰۰۰ میلیارد تومان استقراض از بانک مرکزی، موافقت بعمل آمد.

**انتشار اوراق قرضه و قرضه خارجی**  
حبيب‌الله بیطری‌وزیر نیرو گفت این وزارت خانه برای تامین ۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار، از نیمه دوم مهرماه اقدام به فروش اوراق مشارکت (یعنی همان اوراق قرضه) به مردم خواهد کرد. لازم به ذکر است که این اوراق قرضه بیش از یکماه است که انتشار یافته است معنده این وزارت خانه مثل سایر موسسات دولتی همچنان با مشکل تامین اعتبار روبروست. وزیر نیرو همچنین عنوان کرد که وزارت نیرو امسال با ۳۰۰ میلیون دلار استقراض خارجی، بخشی از اعتبارات ارزی خود را تامین خواهد کرد.

### کودکان شاغل و کودکان در جستجوی کار!

برطبق آمار گیری سال ۱۴ تا ۱۰ ساله شاغل کشور ۷۵۰۵۷ نفر و بیکاران در جستجوی کار ۱۰۳۴۷۴ نفر اعلام شده است. براساس نتایج سرشماری عمومی در همین سال، از جمعیت ۹۰۸۰۶۷۶ نفری کودکان ۱۴ تا ۱۰ ساله حدود ۴ درصد آن یعنی ۳۶۸۰۲۱ نفر شاغل اند که %۶۵ آنها پسر و %۳۵ دختر هستند. گفتنی است که در این آمار، کودکانی که در روستاهای دم زار کار می‌کنند و یا در منازل به کار قالی‌بافی مشغول بوده‌اند، منظور نشده است.



راه پیمانی

روز ۱۴ مهر از طرف دفتر تکمیل وحدت، تجمعی در ضلع شرقی داشتگاه تهران (خیابان قدس) برگزار شد. در این تجمع که با صدور مجوز بريا شده بود، بعد از پایان سخنرانی هادی خامنه‌ای، دانشجویان بسیج خیابان انقلاب و سپس میدان انقلاب به راه پیمانی پرداختند. مسئولین دفتر تکمیل وحدت غیرهم‌آنکه به شرکت کنندگان در این تجمع گوشزد می‌کردند که مجوز راه‌پیمانی صادر شده است، اما جمعیت در حال شعار

**استان مازندران:** مدیر عامل شرکت نساجی تلار، ضمن آنکه رکود حاکم بر صنایع نساجی مازندران را بسیاری جدی خواهد گفت در قائم شهر که قطب نساجی مازندران است ۱۰ هزار کارخانه ها مشغول بکار بودند اما این رقم به کمتر از ۵ هزار تقلیل یافته است (کاروکارگر ۱۹ مهر). اوضاع در بسیاری دیگر از کارخانه ها از جمله کارخانه چوب و کاغذ مازندران نیز نامطمئن است.

### سایر استانها

اوضاع به لحاظ تداوم رکود و بیکارسازی کارگران در سایر استان ها و شهرهای کشور نیز برهمن مನوا است. ۲۵۰ تن از کارگران کارخانه نساجی جهان چیت کرج در مععرض اخراج هستند. بخش بافنده‌گی شرکت نساجی رسیمان پارس مستقر در سمنان با حدود ۳۰۰ نفر کارگر تعطیل شده و کارگران و خانواده های آنان برای تامین نان شب نیز با مشکلات جدی روبرو شده‌اند. بنا به گفته یکی از افراد وابسته به خانه کارگر و رامین، در طول یک ساله ۷۵ نفر، فقط در رامین ۱۸۰ نفر از کارگران اخراج شده اند که پس از پیگیری های متعدد تنها ۱۷۸ نفر بکار خود باز گشته‌اند. در شهرستان ری بنا به گفته مسئول اداره کار و خدمات این شهرستان، بیش از ۲۴۲ نفر جویای کاربران مرکز نام نویسی کرده‌اند که تنها برای ۲۶۷ نفر کاریابی شده است. مدیر کل کارستان سیستان و بلوچستان گفت در حال حاضر ۳۵ هزار بیکار ثبت نام کرده اند حال آنکه آمارهای غیررسمی بیشتر از این نشان میدهد.

### فرسودگی صنایع

مدیر عامل شرکت رسیندگی و بافنده‌گی، چیتری گفت، در طول ۳۰ سال گذشته هیچ سرمایه گذاری جدیدی برای بازسازی و نوسازی شرکت صورت نگرفتاست. لازم به ذکر است که این شرکت زیر پوشش بنیاد مستضعفان قرار دارد. در همین رابطه وزیر صنایع رژیم هم گفت: دستگاهها و ماشین هایی که عموماً عمر مفید آنها ۱۰ سال است چندین برابر کارگرده‌اند. وی عمر برخی از کارخانه های نساجی را ۲۰ سال ذکر نموده اضافه کرد از مجموع کارخانه های نساجی بیش از ۶۰ واحد بکار فرسوده اند.

### واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی

محمد علی نجفی رئیس سازمان برنامه و بودجه در اواسط مهرماه اعلام کرد ظرف یک ماه آینده محل واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی. نامبرده میلیارد ریال درآمد عاید دولت می‌شود. نامبرده مجموع شرکت های دولتی را دو هزار و شرکت های وابسته را حود ۴۰۰۰ قید کرد. وی همچنین تصريح کرد که کمیسیونی که از اول سال جاری به منظور واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی تشکیل شده است، زیر نظر مستقیم رئیس جمهوری باشد. نامبرده درجلسه علنی روز سه شنبه ۲۱ مهر مجلس اعلام کرد بین میزان حقائق هزینه هایی دولت با حداقل تکریم آمدها در قانون بودجه امسال، بالغ بر ۱۸ هزار و ۹۳۶ میلیارد ریال فاصله (تفاوت) وجود دارد.

### قرضه بانک

کمیسیون برنامه و بودجه رژیم، برای تامین بخشی از کسری بودجه دولت، ب والاستقرار از بانک مرکزی

حاضر در سالان به شعار دادن پرداختند و مانع از قرائت متن سخنرانی وی شدند. این آکسیون موفق، وسیعاً در رسانه های گروهی انعکاس یافت.

### اعتراض به حضور و سخنرانی ابراهیم یزدی در سوئد

در پی انتشار خبری پیرامون ورود ابراهیم یزدی رئیس "نهضت آزادی ایران" به سوئد، آنهم بمنظور ایراد سخنرانی درباره "حقوق بشر"! جمع زیادی از نیروهای انقلابی و مخالف رژیم، ضمن صدور اطلاعیهای به تاریخ ۱۱ اکتبر ۹۸، نسبت به حضور وی در سوئد اعتراض و این مستلزمرا محکوم کردند. در این اطلاعیه ضمن اشاره به پاره ای از اقدامات ارجاعی و سرکوبگرانه یزدی، چهارمانی که بازگران مقام نخست وزیری دولت موقت حکومت اسلامی را بر عهده داشت و چه بعد از آن، به حمایتیهای یزدی از رژیمی که دهها هزار تن را به جرم دگر اندیشی اعدام و تور کرده است و اکنون هم مدافعت دولت خاتمی یعنی دولتی است که حافظ "مسئولیت سرکوب اعتراض ۲۰۰۰ زندانیان سیاسی در زندانهای شیراز، اصفهان، تبریز، ملاثی و کارون اهواز و اعدام های یک سال و نیم گذشته" را بر عهده دارد، نیز اشاره شده است. در این اطلاعیه همچنین گفته شده است "او توجیه گرسایستهای دولتی است که بنیاد فکریش بر تقص حقوق بشر است و با سکوت در مقابل اعدام و شکجه صدها هزار مخالف سرکوب آزادی بیان و اجتماعات توسط جمهوری اسلامی، بر تمامی این جنایات در ۲۰ سال گذشته صحه گذاشته" و اساساً نمی تواند حقوق بشر آنهم در کشوری که مدعی دمکراسی است صحبت کند. قابل ذکر اینکه سرانجام این جلسه سخنرانی برگزار گردید و آقای یزدی هنگامی که به سوالات بخی از حاضرین جواب میداد، بار دیگر به توجیه سیاستهای نهضت آزادی در تأثید و صحه نهادن بر اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی پرداخت کاین موضوع عکس العمل اعتراض آمیز بسیاری از حاضرین را در پی داشت که در ادامه آن بیش از ۲۰ سوم جمعیت با سرداران شعار مرگ بجمهوری اسلامی محل را ترک میکنند و جلسه سخنرانی نیز عملاً بهم میخورد. مخالفین حضور یزدی و سخنرانی وی در مورد به اصطلاح حقوق بشر، در بیرون از سالان نیز با شعارهای مرگ بجمهوری اسلامی و افشا سیاستهای امثال آقای یزدی، اعتراض خود را نسبت به حضور و سخنرانی این فرد ادامه داده اندرا محکوم کردند.

### خلاف جریان منتشر شد

خلاف جریان شماره ۱۴ به زبان انگلیسی و خلاف جریان شماره ۲۰ به زبان فرانسه در ماه اکتبر منتشر شدند.

علیه شرایط پیشنهادی به حرکت خود ادامدهند.

### مبارزه علیه بیکارسازی در اسکاتلند

اتحادیه های کارگری و شورای شهرهای سکلرک و گلاشینر واقع در جنوب اسکاتلند، مشترکاً در مقابل بازخرید ۲۰۰ کارگر شرکت الکترونیک آمریکائی "ویاسیستمز" دست به اعتراض زدند. اعتصابیون هنگام اجتماع در مقابل کنسولگری ایالات متحده در شهر ادینبره پایتخت اسکاتلند عینکهای دویی برجشم داشتند. این اقدام کنایه ای بود به شعاری که شرکت در بدو تأسیس سرداره بود: "اینده شما چنان روشن و تابناک است که شما به عینک دویی احتیاج خواهید داشت."

### اسپانیا: سوانح ناشی از کار و اعتراض کارگران

روز ۷ اکتبر، ۴۰ نفر از معدنچیان ۳ معدن مختلف در اسپانیا، در اثر سوانح ناشی از کار جان خود را از دست دادند. در اعتراض به کشته شدن این کارگران و وضعیت وخیم این معادن، حدود ۱۱ هزار معدنچی روزهای ۱۳ و ۱۴ اکتبر دست از کار کشیده و به راهپیمائی و تظاهرات پرداختند. یکروز پس از آن نیز ۵ هزار تن از معدنچیان شمال اسپانیا نیز در اعتراض به سطح نازل استاندارد های این معادن، دست به یک اعتساب یکروزه رزده و خواهان بهبود فوری اینمی محیط کار خود شدند.

به گزارش اتحادیه های کارگری در این کشور، تنها طی ۴ ماه اول سال جاری، ۲۹۰ هزار نفر از کارگران اسپانیا در اثر سوانح ناشی از کار محروم شده که از این تعداد ۴۲۲ تن جان خود را از دست داده اند.

### جلسه سخنرانی فائزه رفسنجانی

#### در هلند به تعطیل کشانده شد

روز ۲۰ اکتبر سال جاری قرار بود فائزه رفسنجانی از نمایندگان مجلس ارتتعاج به دعوت انتستیتوی اسلام شناسی وابسته به یکی از دانشگاههای هلند، در مراسم افتتاحیه این انتستیتو حضور بهم رساند و سخنرانی کند.

در اعتراض به این اقام، نیروها و سازمانهای اپوزیسیون از جمله فعالین سازمان در هلند، در این روز با برپایی حرکات اعتراضی، حضور و سخنرانی وی را محکوم نمودند. طی این روز صدها تن ضمن برپایی تظاهرات در مقابل محل برگزاری سخنرانی، اقام انتستیتو مبنی بر دعوت از یکی از نمایندگان جمهوری اسلامی را محکوم نمودند. دهها تن از نیروهای انقلابی نیز همزمان در سالن محل برگزاری سخنرانی حضور بهم رساندند و با دادن شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "رفسنجانی، تروریست"، "ایران زندان زنان است"، مخالفت خود را با حضور دشمنان آشکار آزادی و آزاداندیشی به نمایش گذارند. لازم به ذکر است که قبل از شروع برنامه، فائزه رفسنجانی از سوی مادری که چندین فرزندش توسط جمهوری اسلامی کشته شده بودند، سیلی خورد و مخفیانه سالان را ترک کرده بود. با اعلام عدم حضوری جهت سخنرانی، نیروهای اپوزیسیون



### اعتصاب میلیونی کارگران در روسیه

طی ماه های گذشته روسیه شاهد اعتصابات عظیم کارگران بوده است. این اعتصابات در ابتدامحدود و پراکنده بود، اما به تدریج گسترش یافت. معنچیان با خواست پرداخت دستمزدهای معوقه وارد میدان شدند. راه بندان و تصرف ساختمان پارلمان از جمله اشکال دیگری بود که معنچیان برای رسالت نمودن اعتراضاتشان به کارگر قفتند. با گسترش مبارزات معنچیان، حمایت و همیستگی با آنان وسیع و وسیعتر شد تا اینکه سرانجام در روز ۷ اکتبر سال جاری، میلیونها نفر از کارگران سراسر روسیه به دعوت اتحادیه های کارگری دست از کار کشیده و در چندین شهر دست به راه پیمایی و تظاهرات زدند. کارگران اسپانیا نیز در اعتراض به سطح نازل استاندارد های این معادن، دست به یک اعتساب یکروزه رزده و خواهان بهبود فوری اینمی محیط کار خود شدند. در این شهر برگزار کردند. در سایر شهرها، کارگران به مسدود کردن جاده ها، راه آهن و اشغال مراکز دولتی دستمزد نویزی طریق اعتراض خود را پوشید و خیم اقتصادی بنمایش گذارند. تنها ۱۱ هزار نفر از ماموران پلیس ضد شورش روسیه جهت سرکوب کارگران به مسکو گسیل شده بودند. خواسته های اعتصابیون پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران، استغفاری بوریس یلتیسین، توقف سیاستهای اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و برق ایارلمن روسیه است. اتحادیه های کارگری روسیه میزان دستمزدهای معوقه کارگران را ۶ میلیارد تخمین میزنند. قریب به یکسال است که دولت و رشکسته روسیه، از پرداخت دستمزدها سرباز میزند. عدم تحقق وعد های مداوم دولت سرانجام در اوایل اکتبر به اعتصاب عمومی فوق انجامید. گسترش مبارزات و حمایت وسیع افسار مردم از این خواسته ها، زنگ خطری بودند. تنها برای دولت روسیه بلکه برای سایر دول غربی، تزریق میلیونها دلار کمک بیدریغ این کشورها به روسیه نیز بحران موجود در این کشور را تخفیف نداده و وضعیت را بیش از پیش بحرانی نموده است.

### اعتصاب ۲ هزار کارگر صنعتی در انگلستان

دو هزار کارگر صنعتی بارانداز دون پورت در شهر پلیموت در اعتراض به شرایط پیشنهادی شرکت در زمینه افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. شرکت مزبور وعده ۴ درصد افزایش دستمزد در طول پانزده ماه آینده را به کارگران داده است. با اعلام این پیشنهاد، کارگران در اعتراض به شرایط پیشنهادی دست از کار کشیدند. یکی از مقامات اتحادیه AEEU طی مصاحبه ای اعلام داشت که کارگران عضو این اتحادیه مصمم اند

آتی کارگران به کارمی بندندها با ایجاد موانع بیشتر، حق اعتضاب را پیش از پیش به چهارمین قوانین بورژوائی بکشد. اکنون صحبت از طولانی تر شدن دوره های قراردادهای دسته جمعی از ۳ سال به ۴ یا ۶ سال است. از طرف دیگر محدود کردن مطالبات کارگران به حداقل ۲ حواسته در هر دور مذاکراتی، جبهه دیگری از محدودیت هائی است که اعمال میشود.

اما فعلیں رادیکال جنبش کارگری نیز از هم اکنون با برپایی منظم مجتمع عمومی در محل کاریه بحث حول خواستهای خود میبردازند. هم اکنون صحبت از تقویت پیش از پیش "کیته هماهنگی اتحادیه های کارگری" "تشکلی که بطور خوبی گوش و در طول اعتضاب اخیر در مقابله با سازشکاریهای رهبران شورای سراسری اتحادیه های کارگری شکل گرفت، در میان است. کارگران خواهان تقویت این تشکل رادیکالند تا در مذاکرات آتی نقش بیشتری به این ارگان مبارزاتی داده شود.

## کمکهای مالی رسیده

	دانمارک
۵ کرون دانمارک	۹۸-۶-۳۰
۵ کرون دانمارک	۹۸-۷-۳۱
۵ کرون دانمارک	۹۸-۸-۳۱
۵۰۰ کرون دانمارک	آرهوس
سوئیس	رفيق یحیی
۱۰۰ فرانک سوئیس	تارا
۱۰۰ فرانک سوئیس	پروژش
آلمان	
۲۰۰ مارک	سیاوش - ن
۵ مارک	روزیه
۵ مارک	مهر
۳۰ مارک	ک-هومر
۴۰ کرون سوئد	هومر
۱۰۰ مارک	آلمان
۵ مارک	م، ا، (هانوفر)
۳۰۰۰ فرانک بلژیک	بدون کد

## اعتضاب عمومی کارگران دانمارک

واقعیت این است که شناورسازی ساعت کار کارگران در سالهای اخیر به بهانه تقویت قدرت رقابت سرمایه داران و افزایش اضافه کاریها، بعضاً تا ۷۰ ساعت در هفته، به جای استخدام نیروی کار جدید بدون پرداخت اضافه دستمزد و اجحافات دیگر، شرایط بسیار وخیمی را به کارگران تحمل نموده است. از سوی دیگر شدت استثمار به تشدید مبارزات کارگران انجامیده است. از همینروزت که خواست افزایش تعطیلات سالانه به یک خواست محوری تبدیل گردید و به پسیج بخش وسیعی از کارگران بخششی مختلف انجامید.

مبارزات کارگران دانمارک جهت کاهش ساعت کار کار هفتگی از اوائل دهه ۸۰ میلادی آغاز شد. گسترش دامنه مبارزات کارگران به جای کشاند که یکی از نکرده خواسته، کار را به جایی کشاند که شورای سراسری اتحادیه های کارگری دانمارک، برغم سازشکاری رهبران، در قطعنامه ای خواهان ۲۵ ساعت کار در هفته شد. سرانجام در اول اخر دهه ۸۰ کارگران موفق شدند ساعت کار هفتگی را از ۳۹ ساعت به ۳۷ ساعت در هفتگه کاهش دهند.

ترندی که سرمایه داران علیه کاهش ساعت کار بکار بردن، شناور سازی ساعت کار کارگران بود. لذا فعلیں کارگری دانمارک نیز در طرح و تدوین خواست خود، خواست افزایش تعطیلات سالانه را عفون نمودند.

گرچه اعتضاب فوق به افزایش تعطیلات سالانه کارگران نیانجامید، اما با توجه به وادرارشدن دولت در ارائه طرحی مبنی برایجاد تسهیلاتی برای مرخصی بیشتر کارگران، نشانه هایی از اغزار مبارزه برای دستیابی به این خواست به چشم میخورد. آماده باش کارگران برای مبارزات آتی، در شرایطی است که براساس برنامه های دولت و سرمایه داران تاسال ۲۰۰۵، ساعت کارشاغلین باید به طور متوسط ۸ درصد افزایش یابد. اکنون

کارگران شاغل در بخش دولتی است که برای تمدید قراردادهای دسته جمعی وارد میدان شوند و خواست افزایش مرخصی سالانه را طرح نمایند. اعتضاب ۱۴ روزه کارگران، تجربیات پرازدش دیگری برای کارگران داشت. نکته قابل توجه، حضور اینوهی از کارگران جوان بود که این اعتضاب نخستین تجربه مبارزاتی آنان بود. این بخش از کارگران از ابتدا خواهان اعتضاب و رو در روزهای مستقیم با کارفرمایان بودند. نسل جدیدی از کارگران برای نخستین بار در اعتضاب عظیمی شرکت نموده و در عمل حس اتحاد و مبارزه مشترک را تجربه کرده و چهره دیگری از عملکرد اتحادیه های کارگری را مشاهده کردند. پس از این تجربه، بخش وسیعی از کارگران در مجتمع عمومی خود، خواستار قطع کمک مالی به حزب سوسیال دمکرات شدند. اکنون با گذشت چند ماه از این حرکت عظیم طبقه کارگر، کارگران در جستجوی طرق جدید برای دامن زدن به مبارزه مستقیم علیه سرمایه داران هستند. نمایندگان سرمایه داران نیز در این میان بیکار نشسته و تمامی تلاش خود را جهت جلوگیری از مبارزات

در پی رد طرح پیشنهادی مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی از سوی پیش از ۴۰۰ هزار نفر از کارگران شاغل در بخش دولتی، دور جدیدی از مذاکرات برای دستیابی به طرح جدید آغاز شد. اما سرانجام روز ۲۷ اوریل نشست مشترک نمایندگان اتحادیه کارفرمایان صنعتی دانمارک، شورای سراسری اتحادیه های کارگری LO و نماینده دولت این کشور به بن بست رسید. از نیمه شب همانروز، تمامی ۵۶ هزار نفر کارگر شاغل در بخش خصوصی دست به یک اعتضاب عمومی زدند. طی این اعتضاب ۱۱ روزه، کارگران برخواستهای برق خود پاچشاری کرده و به مبارزه همه جانبه ای دست زدند. نیمه شب ۷ماه مه، دولت دانمارک به بهانه گسترش اعتضاب به مرکز حیاتی اقتصاد، بیطری ظاهری خود را زیر پا گذاشت و آشکارادر اختلافات بین سرمایه داران و کارگران مداخله نمود. با تبدیل طرح پیش نهادی اتحادیه کارفرمایان صنعتی دانمارک به یک لایحه قانونی، ادامه اعتضاب غیرقانونی اعلام و از کارگران خواسته شد که از روز بعد به سر کارهای خود بازگردند.

هرچند خواست محوری کارگران در این اعتضاب، یعنی فراغت بیشتر برای شاغلین و کار برای بیکاران از طریق افزایش تعطیلات سالانه از ۵ هفته، تحقق پیدا نکرد، اما در واقعیت امر صرف پاسخ منفی کارگران به طرح سازشکارانه رهبران شورای سراسری اتحادیه های کارگری و سازماندهی این اعتضاب عظیم پیروزی بزرگی برای کارگران بوده و آنها را برای مبارزات آتی آماده نمود. این مساله زمانی اهمیت خود را نشان میدهد که بدایم کارگران دانمارک پس از سالهای، برای نخستین بار مجدد برخواستهای مستقل خود پیشنهادی نموده و با رای منفی به طرح سازشکارانه رهبران سازشکار شورای سراسری اتحادیه های کارگری پیش گرفتند. بورژوائی پس از فروپاشی کشورهای بلوک شرق تلاش نمود که خاتمه تاریخ و مبارزه طبقاتی و جاودانگی مناسبات ستمگرانه سرمایه داری را تبلیغ کند. در این میان بخششی از فعلین چپ و کارگری نیز مرعوب این تبلیغات شده و با ترک صفوی مبارزه، کارگران را در این تبره همه جانبه تها گذاشتند. اما اعتضاب اخیر کارگران بار دیگر صحت نظرات مارکس را اثبات نمود. برخلاف تمام یاوه سرایی های سرمایه داران، بار اصلی مبارزه در این اعتضاب برپوش به اصطلاح بخش سنتی طبقه کارگر یعنی کارگران کارخانه ها، حمل و نقل، ساختمن و ابینه قرار داشت.

با آغاز این اعتضاب، اتحادیه کارفرمایان تقصیر را به گردن دولت و رهبران کارگران انداخت که با بالا بردن سطح توقعات کارگران موجب شدند که کارگران به طرح پیشنهادی رای منفی بدهند. مطبوعات و رادیو و تلویزیون گناه را به گردن نمایندگان کارگران گذاشتند که نتوانسته بودند کارگران را به کاهش سطح توقعات خود قانع کنند. اینها اما تنها جنبه هایی از واقعیت را در خود داشت. دلائل اصلی را باید در جای دیگری جستجو کرد.

## گزیده ای از نامه های رسیده

توضیح کوتاهی برسیتون گزیده ای از نامه های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه بارج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

تحریریه کاردرگریش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت هایی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکنند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برسانند. درج این مطالب، لزوماً بمعنی تأثید موضع نویسنده نامه یا تشکلهای نمایش.

از همه رفقاو دوستانی که برای ما نامه می نویسند در خواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی

**سوئد** : یادداشتی از سوی کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)، در مرور برجزاری "سمینار بین المللی استکلام" برایمان فاکس شده است که خلاصه خبر آن در شماره پیشین نشریه کار به چاپ رسیده است. در قطعنامه مصوب این سمینار، از جمله به مسئله "سرکوب بیان و اندیشه و اجتماعات" و اعمال قوانین سنگسار و قصاص توسط جمهوری اسلامی و همچنین دستگیری و اعدام صدها هزار مختلف و معترض، توسط این رژیم اشاره شده است. در این قطعنامه دوستان ما همچنین خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی، لغو تعیین جنسی و قوانین ضد بشری نظیر سنگسار و قصاص و نیز خواستار تشكیل یکدادگاه بین المللی و محاکمه سران جمهوری اسلامی شده اند. این رفقا در یادداشت دیگری با عنوان "تشدید سرکوب در ایران" ضمن اشاره به تلاش های شش تن از نویسندهای برای "تصویب مشور کانون نویسندهای در داخل کشور"، دستگیری و احضار آنها به زندان اوین را محکوم و خواستار آزادی آنها و سایر زندانیان سیاسی شده اند.

**فرانسه** : یکی از خوانندگان نشریه کار (م.ح. درخشش نیا)، دو مقاله سیاسی دردو نوبت برای نشریه ارسال نموده اند. با تشكیر فراوان بخطاط ارسال مقاله به نشریه کاربایستی باطلاع این خواننده عزیز برسانیم که مقالات دریافتی بدلا تی از جمله سپری شدن و قایع و مسائل عنوان شده در آنها، قابل درج در نشریه کار نبودند. با اینهمه در تحریریه نشریه، طبق معمول از اینگونه مقالات استفاده می شود. پس بازهم برای مقاله و نامه بنویسید. پیروز باشید.

**فرانسه** : از پاریس یادداشتی با امضای "ائمن دفاع از زندانیان سیاسی" و عقیدتی در ایران " با عنوان "موج تعطیل روز نامه ها و نشریات در ایران ! " برایمان فاکس شده است. در این یادداشت ضمن اشاره به تعطیل برخی از نشریات از جمله روزنامه تویس، از "لکمال شدن حاقل آزادی ها " بعنوان

## طبقه کارگر است، باید با آن به مقابله برخاست !

### یکاوسازی ها ، تشدید فشار برگرده

اگرچه هنگامی که کارگران در برابر دفاتر کارخانه ها و ادارات دولتی که عموماً در داخل شهرها قرار دارند، تجمعات اعتراضی برپا می کنند، بخوبی خود توجه رهگران را نیز جلب میکنند اما دامنه این تاثیر بسیار محدود است. چنین تجمعاتی زمانی ممکن تاثیرات پیشتری خواهد بود که با تظاهرات و راه پیمایی

کارگران و غرباز خیابانها و مراکز پرورفت و آمد شهر نیز توان باشد. کارگران چه ابتدا بدهار پیمایی دست بزنندو در انها در برابر فلان دفتریا اداره تجمع برپا کنند، چه در آغاز در برابر این محلها مجتمع شوند و بعد به راه پیمایی و تظاهرات پیدا زندن، در هر حال حرکت کارگران درین حالت بدون شک تاثیرات زیاد

تری در عکس صداو خواست کارگران داردو حمایت و همدردی عده زیادی تری را نیز بدبند خواهد داشت و سرمایه داران و دولت آنها در مجموع برای پاسخ گوئی به خواست ها و مضلات کارگری تحت فشار

پیشتری قرار میگردند. حتی اگر کارگران در برابر در کارخانه نیز مجتمع می شوند و یا فرضاً درون کارخانه تحصن و تجمع میکنند آنرا به اشغال خود در می آورند، با وجود آنکه کارخانه بیرون از شهر

است، معهذا کارگران باز هم می توانند بخوبی عمل کنند که صدایشان از داخل چار دیواری کارخانه و یا جلو کارخانه فراتر بروند. کارگران می توانند فرضاً با انجام راه پیمایی و تظاهرات به طرف سایر مراکز توپی بندیک به محل و ارسال پیک برای کارگران این مراکز، توجه و حمایت سایر کارگران و هم زنجیران خود را جلب کنند و چه بسا که در تحریک احساس همبستگی و بیمان کشانند آنها نیز موثر اقع کردن. معهذا موضوعی که بسیار مهم است این است که

کارگران در همه حال اعضاء حقیقتی اینقدر هرچه بیشتری را از خانواده های خود نیز بسیج کنند و به خیابان بکشند. حضور اعضا خانواده های کارگری در جمع تظاهر کنندگان و راه پیمایی، به انعکاس عیق تردد و رنجی که کارگران تحمل میکنند، کمک نموده و تاثیرات مثبتی را نیز در جلب حمایت سایر اقوام مردم زحمتکش دریخ خواهد داشت. کارگران، بدون شک قادرند با تشدید مبارزه و با حفظ اتحاد و

یکپارچگی خود، در برابر تعرض سرمایه داران بیان شنیدن و آنها را عاقب برانند. کارگران شاغل نیز با استفاده از اشکال متنوع

مبارزاتی، بطرح خواسته های مطالبات خود پرداخته اند. از این نمونه ها در عین حال چنین برمی آید که این شکل مبارزه، یعنی بر پائی تجمعات اعتراضی در ادارات دولتی به رایج ترین شکل مبارزه کارگران بیکار

نیز برای احقاق حقوق خود بطور بالتبه متکل، قدم در راه مبارزه علیه سرمایه داران گذاشته اند. از این نمونه ها در عین حال چنین برمی آید که این شکل مبارزه، یعنی بر پائی تجمعات اعتراضی در ادارات دولتی به رایج ترین شکل مبارزه کارگران بیکار

کارگران شاغل نیز با استفاده از اشکال متنوع مبارزاتی، بطرح خواسته های مطالبات خود پرداخته اند. اعترافات کارگری در اشکال متفاوتی، از فرستادن نامه به مطبوعات و نوشتن طومار گرفته، تا تحصن و اشغال کارخانه و تا اعتراض و راه پیمایی و تظاهرات و حتی بستن جاده های نیز انعکاس یافته است. یکی از

اشکال رایج مبارز اعتراضی کارگری، تجمع در برابر دفاتر مرکزی کارخانه ها و یا ادارات دولتی بوده است. سطله قابل ذکر این است که هم کارگران شاغل و هم کارگران بیکار از این شکل مبارزه کارگری استفاده کرده اند. بعارت بیکراین شیوه، دست کم در احظه فعلی به تاکتیک مبارزاتی مشترک کارگران

شاغل و بیکار تبدیل شده است. نکته قابل توجه در مورد بپائی تجمعات اعتراضی کارگری در برابر دفاتر کارخانه ها و یا مراکز دولتی این است که این شکل مبارزه کارگران اگر چه تاثیرات بالتبه خوبی، هم در

انعکاس صدای کارگران و هم در جلب توجه و حمایت افکار عمومی داشته است، اما محدوده معینی فراتر نرفته است. این حرکات زمانی میتواند صدای اعتراض کارگران را بهتر و در سطح وسیع تر به گوش عموم

برساند و تاثیرات عمیق تر در راستای تحقق مطالبات کارگری بر جای بگذارد، که با اقدامات بیکری تکمیل شود.

به هر بهانه ای آنها را اخراج و یا تهدید به اخراج میکنند و خلاصه از این مسئله بعنوان حریب ای علیه اعتراضات کارگری و علیه مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد ها استفاده می کنند تا دستمزد کارگران راهچنان پائین نگذاردند.

کارگران راه دیگری ندارند جز آنکه پشت همیگرها بگیرندو اتحاد خویش را حفظ کنند. کارگران بیکار شده، بخشی از طبقه کارگرانند که قربانی مطامع و آزمدنی های سرمایه داران شده اند. مبارزه کارگران

بیکار، وجهی از مبارزه کل کارگران است و می بایستی مورد حمایت عموم کارگران باشد. این کارگران کار میخواهند. کارواش تفال حق مسلم آنها و اساساً تمام بیکار است. دولت موظف است برای همه بیکاران ایجاد اشتغال کند. اگر دولت قادر به ایجاد کار نیست، باید به همه بیکاران حق بیمه بیکاری به میزانی که

تمامین کننده حائل معيشت یک خانواره ۵ نفره کارگری باشد، پیدا زند. بیکاران بایستی شعاریا کار یا بیمه بیکاری را به برق مبارزاتی خود تبدیل کنند و در اشکال ابتكاری مبارزاتی خویش، صدای شان را

بگوش سایر کارگران و عموم مردم حمتش برسانند. اواسط اردیبهشت ماه بود که گروهی از بیکاران شهر دزفول با تجمع در محل اداره کار این شهر، خواهان کار شدن از آنجا که پاسخ قانون کنندگان به آنان داده نشد، به برخی تاسیسات اداره مذکور حمله برده و شیشه های آن را شکستند. در اندیمشک، شوشترو کاشان نیز حرکات مشابهی صورت گرفت.

در طبس نیز صد تن از کارگران بیکار شده معدن ذغال سنگ طبس، در برابر فرمانداری شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت اشتغال خود شدند. این نمونه ها، نشان میدهد که کارگران بیکار نیز برای احراق حقوق خود بطور بالتبه متکل، قدم در راه مبارزه علیه سرمایه داران گذاشته اند. از این

نمونه ها در عین حال چنین برمی آید که این شکل مبارزه، یعنی بر پائی تجمعات اعتراضی در برابر ادارات دولتی به رایج ترین شکل مبارزه کارگران بیکار تبدیل شده است.

کارگران شاغل نیز با استفاده از اشکال متنوع مبارزاتی، بطرح خواسته های مطالبات خود پرداخته اند. اعترافات کارگری در اشکال متفاوتی، از فرستادن نامه به مطبوعات و نوشتن طومار گرفته، تا تحصن و اشغال کارخانه و تا اعتراض و راه پیمایی و تظاهرات و حتی بستن جاده های نیز انعکاس یافته است. یکی از

اشکال رایج مبارز اعتراضی کارگری، تجمع در برابر دفاتر مرکزی کارخانه ها و یا ادارات دولتی بوده است. سطله قابل ذکر این است که هم کارگران شاغل و هم کارگران بیکار از این شکل مبارزه کارگری استفاده کرده اند. بعارت بیکراین شیوه، دست کم در احظه فعلی به تاکتیک مبارزاتی مشترک کارگران

شاغل و بیکار تبدیل شده است. نکته قابل توجه در مورد بپائی تجمعات اعتراضی کارگری در برابر دفاتر کارخانه ها و یا مراکز دولتی این است که این شکل مبارزه کارگران اگر چه تاثیرات بالتبه خوبی، هم در

انعکاس صدای کارگران و هم در جلب توجه و حمایت افکار عمومی داشته است، اما محدوده معینی فراتر نرفته است. این حرکات زمانی میتواند صدای اعتراض کارگران را بهتر و در سطح وسیع تر به گوش عموم

برساند و تاثیرات عمیق تر در راستای تحقق مطالبات کارگری بر جای بگذارد، که با اقدامات بیکری تکمیل شود.

## گزیده ای از نامه های رسیده

یک واقعیت یاد شده و " اقدامات ضد دمکراتیک و سرگویگرانه " جمهوری اسلامی محکوم شده است . در این یادداشت همچنین آمده است " نباید اجازه داد تا تبلیغات سراسام آوری که از طرف برخی محافظ اروپائی درجهت " روبه بهبود " رفتن فضای سیاسی - اجتماعی در ایران برآفتد " است، واقعیت تلخ یعنی فشار و حملات فزاینده به حداقل حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی در ایران را لایوشانی کند ". دوستان ما همچنین دریابد اشت دیگری با عنوان " بازهم حکم اعدام به جرم یهانی گری " اعدام و زندان افراد به جرم داشتن عقاید مذهبی توسط رژیم را محکوم نموده و خواستار آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی شده اند .

**سوند:** یاد داشتی چهار صفحه ای با عنوان " حمله به شعراء و نویسندها و روشنفکران ایران روش ساواکی پاسداری (باتمانقلیچی)" و " بالاضلاع " جمعی از هواداران هنر و ادبیات مردمی " بستمان رسانیده است که در آن از نحوه برخورد و سخنان اهانت امیز مسئول شورای ملی مقاومت در اسکاندیناوی بنام پرویز خزانی، به شعراء و نویسندها، که در نشریه مجاهد شماره ۴۰۴ به چاپ رسیده انتقاد شده است . در این یادداشت از فرد نامبرده بعنوان یک " بیانات همه فن حریف " یاد شده که " سایقاً بعنوان یکی از دیپلماتهای بر جست اعلیحضرت پهلوی در استکلام " و " زمانی بعنوان یک معتقد به امام راحل به سمت سفیر یا کاردانسفارت ایران درنوز " انجام وظیفه میکرده است و بعد هم " به شورای ملی مقاومت پیوسته " است . امضا کنندگان، سخنان مسئول شورای ملی مقاومت در اسکاندیناوی را " الجن پراکنی " بر نویسندها و شعراء و بر " پیکر ادبیات و هنر " دانسته اند .

**سوند:** رفیق عزیز، بهروز بـ، عضو شورای هماهنگی کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید - کمیته انتشارات . نامه شمارا در توضیح بر گزاری سمبینار بین المللی درباره نقض حقوق بشر در ایران و تصمیم به انتشار مطالب مطروح در این سمبینار را دریافت کردیم . درباره درخواست شما مبنی بر ارسال اسامی اعدام شدگان سال ۶۷ برای تکمیل لیست اسامی کسانی که در سال ۶۷ بدست جمهوری اسلامی قتل عام شدند . به اطلاعاتان می رسانیم که سازمان ما در تدارک تهیه یک لیست کامل از اسامی شهداء سازمان از جمله رفاقتی که در سال ۶۷ اعدام شدند، می باشد . متأسفانه این لیست هنوز کامل نشده است، به محض کامل شدن آن ، اسامی این رفاقت را به شماره هایی که داده اید برایتان فاکس خواهیم کرد . برایتان آرزوی پیروزی می کنیم و دستتان را به گرمی می فشاریم .

**بازیک :** رفیق عزیز (شـ\_غـ) \_ نامه گزارش گونه شمارا در مورد تشید فشار بر اقلیت های مذهبی و سرکوب آزادیها در ایران، دریافت نمودیم . ما نیز مثل شما براین باوریم که حکومت مذهبی، ناقص آزادیها و لگتمال کننده حقوق مردم و آزادیخواهان است . خواسته بودیم ، تاریخچه مختصری از شکل گیری سازمان را برایتان بفرستیم . در اسرع وقت به این خواست شما عامل خواهد شد . در ضمن مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ فرانک کمک مالی ارسالی را نیز دریافت کردیم . با تشکر فراوان بخاطر ارسال نامه و کمک مالی، باز هم برایمان نامه بنویسید . پیروز باشید .



## تظاهرات مردم پیرانشهر

طبق خبری که از سوی حزب دمکرات کردستان ایران انتشار یافته است، روز گذشته، مردم پیرانشهر در اعتراض به قتل یک جوان اهل مهاباد به دست مزدوران حکومت اسلامی، در برابر پاسگاه نیروی انتظامی دست به تظاهرات زدند . نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، این اعتراض مردم را با گلوله پاسخ دادند که در نتیجه آن حدود ۱۰ تن زخمی شدند . پس از این اقدام سرکوبگرانه نیروهای مسلح رژیم، اهالی پیرانشهر برخی مراکز و خودروهای دولتی را مورد حمله شکستند . در جریان این درگیریها تعادی نیز دستگیر شدند و عملاً نوعی حکومت نظامی در شهر برقرار گردید .

سرکوب اعتراض برحق مردم پیرانشهر توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که از ماهیت فوق ارجاعی حکومت اسلامی و دشمنی آشکار آن با عموم توده های مردم از جمله خلق تحت ستم کرد ناشی می گردد، باز دیگر این حقیقت را در برابر همسکان قرار میدهد که این رژیم هیچگونه اعتراض و مخالفتی را از جانب مردم تحمل نمی کند و زبانی، جز زبان زور نمی فهمد . لذا مادام که برسر کار است به کشتار و سرکوب مردم ادامه خواهد داد . راه نجات از شراین وحشیگری های رژیم جمهوری اسلامی، تشید مبارزه و سرنگونی آن است سازمان فدائیان (اقلیت) سرکوب مردم پیرانشهر را قرباً محکوم میکند، و عموم مردم را به تشید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی فرا می خواند .

### سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۷/۸/۲

## بحران مالی دولت . . .

های بین المللی مناطق امن تری برای سرمایه گذاری در بخش‌های مولد دارندوتیابی به سرمایه گذاری در ایران بجز رشته های حاصلی نشان نمی دهد . از یکسو این احساس عدم امنیت سرمایه از آن روسوت که رژیم جمهوری اسلامی که با مخالفت و اعتراض همگانی مردم روپرورست، یک رژیم بی ثبات و بی آینده محسوب میشود که هر آن امکان سرنگونی آن وجود دارد . از سوی دیگر ساختار حکومت مذهبی، تلاطمات درونی آن، و تضادی که میان روبنای سیاسی و ذیرینی اقتصادی وجود دارد و ماداها در اشکال مختلف خود را بروز می دهد، امنیت لازم را برای سرمایه های مولد و پیش ریز کردن مقادیر کلانی سرمایه بوجود نمی آورد . از اینرو سرمایه بین المللی عمدها به شکل سرمایه استقراری، به شکل وامهای کوتاه مدت و سرمایه کالائی صادر میشود که تضمین بازگشت این سرمایه و سودهای کلان آن نیز از طریق دلال های نفتی تضمین میشود . بنابراین از این جهت هم چشم‌اندازی برای بهبود اوضاع اقتصادی وجود ندارد .

این بحران که امروز به مرحله ای از شدت وحدت خود رسیده که رژیم را با معضلات جدی روپرور ساخته است، صرفاً محصول اوضاع کنونی و بحران مالی و ارزی دولت نیست . این بحران ذاتی نظام سرمایه داری است که از تصاده های لain-het این نظام و گندیدگی و پوسیدگی مناسبات موجود ناشی شده است . این بحرانی است که در سال ۲۰۰۰ کشته شده است . این بحران ذاتی از این جهت که دولت کشته شد . علاوه بر این فشاری که دولت برای جبران کسری بودجه خود به کارگران و زحمتکشان وارد می آورد، قدرت خود هم اکنون ناچیز آنها را بازهم کاهش خواهد داد و رکود موجود را تشید خواهد کرد . لذا چشم انداز بحران اقتصادی، و خامت بیشتر است .

دولت که این و خامت اوضاع را دریافته است ، از مدت‌ها پیش تلاش گسترده ای را برای جلب هرچه بیشتر سرمایه های احصارات بین المللی آغاز نموده و تسهیلات گستردگی و پیزه ای برای آنها قائل شده است تا این طریق بتواند خود را از مخصوصه بحران موجود نجات دهد . اما شکست این سیاست نیز در دوران زمامداری رفسنجانی نشان داده شد . سرمایه هایی که به ایران صادر گردید عمدتاً سرمایه استقراری و کالائی بود و نه سرمایه مولد . آنهم عمدتاً به این دلیل که صاحبان سرمایه

(( بحرانهای عظیم ، راه حل های اساسی می طلبند ))

آلومینیوم حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است.  
امروزه ۵۰ درصد جمعیت آمریکا، اندک پس انداز  
های خود را به خرید سهام اختصاص میدهد.  
شوخی نمی کنم. اگر اخبار را دنبال کنید به این  
مسئله باور خواهید کرد. جدا از این، در نظر  
داشته باشید که امروزه تحت عنوان "نظم نوین  
جهانی"، منابع و نخادر طبیعی نابود می شوند.  
چه کسی مسئول تامین زندگی ۱۰ میلیارد ساکنین

جهان طی ۵ سال اینده حواهد بود ؟  
از من خواسته شده بود تا متن سخنرانی خود را  
قبل از ایراد کتب ارائه دهم تا ترجمه شود. این  
کار را در ارتفاع ۱۰۰۰۰ متری سطح زمین انجام  
میدهم. از من نخواهید که راه حلی ارائه دهم. من  
بیغفرم نیستم. من تنها میدانم که بحرانهای عظیم،  
راه حلی اساسی می طلبد.

لار افزایش داد.  
جهان دیر یازود باید بهای این را بپردازد.  
نرومندترین کشور آسیای جنوب شرقی، در آستانه  
ورشکستگی قرار گرفته است. ژاپن \_ دومین قدرت  
بزرگ جهانی دیگر توان تحمل بحران را ندارد.  
رزشین مدام کاهش میابد. در دیگرسوی جهان،  
در روسیه، بحران گسترش میابد. علیرغم کمکهای  
یدیرغ مالی غرب، روسیه به ورشکستگی کشیده  
شده است. شاید در همین لحظات شاهد خطر  
سقوط دولتی باشیم که برغم داشتن هزاران سلاح  
نتی از باز پرداخت حقوقها و دستمزد تکنسینها  
بازمانده است.

اند و ۵۸۵۰ تن در کویا دوره آموزشی گذرانده اند. از سوی دیگر ۸۰۵۲۴ کویائی از جمله مهتمصسان، پزشکان، پرستاران، استادیو کارگران ماهر به عنوان داوطلب برای انجام پروژه های مساعدت و همیاری به آفریقا اعزام شده اند. طی مدت ۳۰ سال ۳۸۱۴۳۲ سرباز کویائی دوش به دوش توده های مردم آفریقا در مقابل تعرضات نیروهای مهاجم در قاره، ایستادگی نموده و در بازگشت با خود شرف و عزت و انسانیت به همراه آوردهند. این دردآوراست که ما امروز در آفریقا شاهد فقر، قحطی و گرسنگی و فقدان بیمارستان و مدرسه باشیم. وسائل ارتباطی در کل آفریقا بسیار محدود است. بسیار شرم آور است که شاهد باشیم که مثل شهر توکیو بیش از کل قاره آفریقا، تلفن داشته باشد.

در آفریقا، صحرای اگسترش می‌یابند. جنگل‌ها نایبود می‌شوند و زمینهای کشاورزی نابار آور. ساکنین قاره در معرض انواع بیماریهای کهنه و نو همچون مalaria، سل، وبا و ایدز قرار دارند. در مقایسه با سایر نقاط جهان، مرگو میر نوزادان بسیار می‌کند.

ویروس ناقل بیماری "ایزد" به طرز وحشتناکی گسترش می‌باید. این غلو نیست اما آفریقا در معرض خطر نابویی قرار گرفته است. هر فرد حامل ویروس فوق، سالانه باید مبلغی معادل ۱۰ هزار دلار جهت مداوا اختصاص دهد. این در حالی است که بطور متوسط هر خانواده تنها قادر به اختصاص ۱۰ دلار در سال بایت هزینه های پیشکشی است. در حال حاضر جهت مبارزه موثر با بیماری فوق سالانه باید مبلغی معادل ۲۵۰ میلیارد دلار اختصاص باید. امری که صورت نمیگیرد و موجب مرگ و میر ۹۰ درصد این بیماران میگردد. جهان چگونه میتواند شاهد چنین فاجعه عظیمی باشد و بی تفاوت بماند؟ دمدم از معجزات صندوق بین المللی پول و سازمان جهانی تجارت، نسخه های شفا بخش صادر میشود. اما چرا تحقیق برای یافتن ریشههای این بیماری خانمان برانداز صورت نمیگیرد؟

بحران غیر قابل پیشگیری

اطلاعیه تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) درباره تعطیل جلسه سخنرانی فائزه رفسنجانی

اعتراض به حضور فائزه رفسنجانی در هند

صبح امروز ۲۰ اکتبر ۱۹۹۸، فعالیین سازمان فدائیان (اقلیت) در هلن، کمیته‌ای مشتمل از فعالیین چپ، و فعالیین زن در مبارزه در هلن، به حضور فائزه رفسنجانی در هلن اعتراض نمودند و مانع سخنرانی وی در دانشگاه لینین شدند.

فائزه رفسنجانی قرار بود در مراسم افتتاحیه انتستیتوی اسلام شناسی دانشگاه لینین سخنرانی کند. به محض ورود او به سالن، تظاهرکنندگان با سردادن شعار و انشای جملات رژیم جمهوری اسلامی، مانع از آن شدند که وی در جایگاه سخنران قرارگیرد. لذا فرد دیگری برای قرأت متن سخنرانی وی پشت تریبون فرستاده شد. اما او نیز اجازه سخنرانی نیافت و جلسه سخنرانی تعطیل شد. با دخالت پلیس، تظاهرکنندگان به بیرون سالن فرستاده شدند، اما اعتراضات ادامه یافت و تظاهرکنندگان تا ساعتی بعد در مقابل محل سخنرانی به تظاهرات ادامه دادند.

دستگیری هستند تا مناسبات گسترش با جمهوری اسلامی را توجیه نمایند. در حالیکه دادگاه میکنونس با مدارک و شواهد محکم، دخالت مستقیم بالاترین مقامات حکومت اسلامی در سرکوب و ترور مخالفین حکومت را به اثبات رسانده است، در حالیکه روند سرکوب اعتراضات کارگران و زحمتکشان و دستگیری، شکنجه و اعدام مخالفین حکومت در ایران یکدم قطع نشده است، در شرایطی که قوانین ارتضاعی اسلامی، زنان ایران را نیمه انسان تلقی می‌کنند و زنان از بسیاری از حقوق شهرنشی بی‌بهدازند، دول اروپائی عوامگیریانه از تغییر اوضاع در ایران سخن میگیرند تا گسترش مناسبات با حکومت اسلامی را توجیه نمایند. به اشکال مختلف تلاش می‌کنند حکومت اسلامی را از انزوا خارج سازند. آنها بر جنایات رژیم اسلامی چشم می‌بندند و با دعوت از نمایندگان و دست اندرکاران این رژیم کشتار و جنایت به سخنرانی، به آنها تربیون میدهند که عوامگیریانه در باره انسان و حقوق انسانها سخن نمیگویند. این بزدگیرین توهین به مردم ایران است.

ابزار ملاحظه دوستی‌های اروپائی به رژیم جمهوری اسلامی و عوامل این حکومت جنایتکار، با اعمال فشار بر هزاران پناهجوی ایرانی که فربیانی سیاست ترور و وحشت و سرکوب و کشتار رژیم اسلامی اند، همراه است. فی المثل در هلند، در همان حال که فائزه رفسنجانی برای سخنرانی به دانشگاه لیلین دعوت شده است تا جنایات رژیم را توجیه نماید و از انسان و حقوق انسانها سخن بگوید، صدھا پناهجوی ایرانی که به ناگفیر از جهنم جمهوری اسلامی گریخته‌اند، در کمپ های پناهندگی مختلف هلند بلا تکلیف بسیاری از پناهجویان ایرانی سالهای است در انتظار پاسخ مثبت به پناهندگی شان هستند. دادگستری هلند به دلایل وابی، از ذمیرش بینا هندگی آنها سریاز میزند.

مردم ایران که سالهای است ابتدائی ترین حقوقشان را پوشت حکومت اسلامی پایمال شده است ، میلیونها ایرانی که در اثر سیاستهای ارتضاعی حکومت اسلامی ، ناگزیر شده اند ایران را ترک گویند و در اقصا نقاط جهان آواره اند ، سیاست حمایت دول اروپایی از حکومت اسلامی را محکم می کنند.

اعتراض به حضور فائزه رفستجانی در دانشگاه لرستان، اعتراض به پایمایش شدن حقوق مردم ایران توسط حکومت اسلامی و سرویش گذاشتن بر جنبایات رژیم توسط دولتهای اروپائی از جمله دولت هلند است.

#### تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۹۹۸ اکتوبر ۲۰

جمهوری اسلامی را نادی با یک اعتراض عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

I. S. V. W اطروپیش  
Postfach 122  
Postamt 1061 , Wien  
Austria

I. S. F دانمارک  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

I. S. F سوئد  
Postbox 50057  
10405 Stockholm  
Sweden

Sepehry سوئیس  
Postlagernd 4018 Basel  
Switzerland

A. A. A فرانسه  
MBE 265  
23 , Rue L ecourse  
75015 Paris  
France

P. B . 22925 هلند  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

## () بحرانهای عظیم ، راه حل های اساسی می طلبند )

### (سخنرانی فیدل کاسترو در آفریقای جنوبی)

شوم و سخنرانی غرائی بکنم تا محبوبیت میلیونها تن را که طی قرون یا با زنجیر در مزارع به کار گرفته شده اندیما در جریان تجارت برده در آبهای اقیانوس ها غرق شده اند، کسب کنم.

### \* تبعیض نژادی ، یک پدیده جهانی

"تبعیض نژادی یک پدیده جهانی است که قرنها تداوم یافت. در نیمکره ما، بردهان جز اولین گروههای بودند که علیه سلطه استعمارگران پا خاستند. در نخستین دههای قرن هیجده، قیامهای عظیمی در "جامائیکا" و "باربادوس" و سایر کشورها شکل گرفت. سالهای بعد، مبارزات قهرمانانه و قیام بردهان در کوبا اوچ گرفت. مبارزات آنها، راه مبارزه را به مردم قاره نشان داد. باراین جنایات تاریخی بردوش مسیحیان و آن عده ای است که خود را متمندین غربی می نامند."

"بدیهی است که تحقق یک ایده و ایده آل متعالی در آفریقای جنوبی، در فردا ثمرات فراوانی برای کل قاره آفریقا در برخواهد داشت. در وجه اقتصادی، وضعیت صنعت، کشاورزی و تکنولوژی و علوم در آفریقای جنوبی در زمرة یکی از پیشرفت‌های ترین کشورها در قاره آفریقاست. از نظر دخانی و معادن، متابع تامین انرژی، آفریقای جنوبی در شمار نخستین کشورهای دنیاست. امروزه، آفریقای جنوبی ۵۰ درصد برق قاره، ۸۵ درصد فولاد و ۹۷ درصد ذغال سنگ قاره را تأمین می‌کند."

### \* کمکهای بین المللی کوبا به آفریقا

کوبا یک جزیره کوچکی است در مجاورت یک همسایه پرقدرت. اما برغم آن ۲۶۹۴ مترخص و تکنسین آفریقائی از مراکز تخصصی کوبا فارغ التحصیل شده

متن زیرترجمه خلاصه ای از سخنرانی فیدل کاسترو در آفریقای جنوبی است که جهت اطلاع خوانندگان نشریه کار درج میگردد.

"امروزه ما هنوز با دو آفریقای جنوبی مواجه هستیم، دیگر نمیتوان صفت سفید و سیاه به آن دو اطلاق کرد. چرا که برای ریشه‌کردن فرهنگ تبعیض نژادی باید، استفاده از این صفت‌ها را نیز کنار گذاشت. من ترجیح میدهم که به شکل دیگری، این دو آفریقای جنوبی را تصویر کنم. آفریقای جنوبی غنی و فقیر. در یکی میزان میانگین درآمد هر خانوار ۱۲ برابر دیگری است. در یکی، میزان مرگ و میر کوکان ۱۳ در هر هزار است و در دیگری ۵۷ در هر هزار. میانگین طول عمر در یکی ۷۳ و در دیگری ۵۶ است. در یکی تقریباً صد در صد جمعیت سوادخواندن و نوشتن دارد، در حالی که در دیگری تنها نیمی از جمعیت نزدیکی در یک آفریقای جنوبی تقریباً صفر است و در دیگری به ۴۵ درصد میرسد. در یکی ۱۲ درصد جمعیت بالغ بر ۹۰ درصد اراضی را در تملک خود دارد. در دیگری ۸۰ درصد جمعیت تنها ۱۰ درصد را صاحباند. یکی تملک کامل بر امکانات و تسهیلات تکنیکی دارد و دیگری فاقد آن است. یکی از ثروت و آزادی بهره مند است، دیگری فاقد هردوست. این میراث سیاوه کهنیک شبه، ریشه‌کن نمیشود. البته باید از کلیه امکانات تکنیکی و پیشرفته بره حست. یکی از دشوارترین وظایف جامعه بشري شاید همانا متحقق نمودن تحولات اجتماعی در یک پروسه آرام، منظم و صلح آمیز باشد که بتواند توده های زحمتکش آفریقای جنوبی را از رفاه بهره مند سازد. از دید میهمان گستاخی که شما به کشور خود دعوت نموده اید، این یکی از وظایف خطیر است که پیشاروی آفریقای جنوبی قرار دارد. قصد ندارم در نقش رهبر محبوبی ظاهر

### صفحه ۱۵

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا بهمراه کد موردنظر بیکی از آدرس های سازمان ارسال نماید.

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

### شماره فکس

### سازمان فدائیان (اقلیت)

۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 319 nov 1998